

ماتون

عصر

روزنامه اجتماعی اقتصادی
شماره ۱۴۰۳ | ۱۳ جمادی الثانی ۱۴۴۶ | ۱۴۴۶
۸ صفحه | پنج هزار تومان | سال سوم | شماره چهارصد و هشتاد و شش
www.asrghanoon.ir

برنامسه ۲ درجه ای

درخواست رئیس جمهوری از مردم برای کاهش ۲ درجه ای دمای محیط منازل

مسعود پزشکیان با انتشار پیامی ویدیویی خطاب به مردم ایران، اظهار کرد: آلودگی هوا و مضراتی که از نظر سلامت بر کل جامعه ما اعمال می‌کند و این موضوع که سوخت نامناسبی در اختیار داریم، ایجاب می‌کند روند گرمایش منازل و محل کارمان را تا جایی که می‌توانیم کنترل کنیم.

وی ادامه داد: از همه مردم عزیز کشورمان می‌خواهیم اگر بتوانند حداقل ۲ درجه، گرمایش منازل را پایین بیاورند تا ما بتوانیم ذخیره سوخت بیشتری داشته باشیم و در این سرما به همه مردم عزیز کشورمان سوخت‌رسانی کنیم. از مردم برای همکاری در این زمینه سپاسگزاریم.

رئیس جمهوری در جریان بازدید از نمایشگاه توانمندی‌های صنعت و معدن؛ نیز خطاب به محمدآتابک وزیر صمت گفت:

اتاق من از اینجا سردتر و تاریک‌تر است. نمایشگاه که نباید این همه گرم باشد؛ بعد پول می‌خواهید برای انرژی.



چرا خداوند گاهی به شکست مؤمنان راضی می‌شود؟



قرآن ضمن بیان علت مادی شکست (سریچی از فرمان پیامبر و رفتن دنبال مال و غنائم) یک نتیجه و یا فائده شکست برای مؤمنین را هم بیان می‌کند که قابل تأمل است. انگار خداوند هم گاهی دلایلی برای شکست مؤمنان دارد.

۳

برای اسرائیل یک تهدید بود



بحث نه بر سر دین شماس، نه دیکتاتور بودن یا نبودن حکومت شما و نه حتی سکولار یا مذهبی بودن آن... هر کدام از اینها به مقتضای نیاز آنها می‌تواند برای ما مردم این منطقه زیبا یا زشت جلوه کند.

۴

چند پرسش از جولانی و شبهه اصلاح طلبان



جولانی در عراق به خاطر عضویت در القاعده، پنج سال در بازداشت نیروهای آمریکا بود و شخصیتش در زیر دست آنها چنان کوبیده و از نو ساخته شد که صرفاً به عنوان مهره دست آموز آنها رفتار کند.

۴

سقوط سوریه از منظر بازی اقتصادی ما!



یکی بودن کنش گران نظامی با اقتصادی و عدم کارایی پس از جنگ آن، اصل دستاورد نظامی را هم در آن کشورها زیر سوال می‌برد لذا ما همچون مدلهای آمریکایی، به تفکیک کنش گران فتح و تداوم نیاز داریم.

۵

یکی که محبوب نیست!



در این فیلم هیچ‌گونه شخصیت پردازی صورت نگرفته و فیلمساز صرفاً مانند فیلم‌فارسی‌های قبل از انقلاب به دنبال استفاده از نمادهایی که خطوط قرمز جمهوری اسلامی را رد می‌کند.

۶

عجیب‌ترین اتفاق بعد از هفت اکتبر



با هفت اکتبر، تاریخ شتاب بی‌سابقه‌ای گرفته. اتفاق از پی اتفاق است که رخ می‌دهد و قطار زمان با سرعت فزاینده‌ای پیش می‌رود. در این مدت سومین نبرد حزب‌الله و اسرائیل آغاز شد.

۷



اندر فضیلت مردم سالاری دینی

سید احسان خاندوزی

۲۲ سال پیش که برای بازدید از دانشگاه دمشق و لاذقیه و غیره به سوریه رفتم با نکته جالبی مواجه شدم در سیاست داخلی (تحلیل شکست امنیتی و اطلاعات خارجی کشور در این فقره باشد برای بعد). به بهانه خاتمه پرونده حزب بعث سوریه و واگذاری حکومت توسط بشار اسد و پناهندن به روسیه، باید یاد کنیم از فراست امام خمینی (رضوان خدا بر او) که از ماه‌های نخست انقلاب اسلامی در حالی که می‌توانست رئیس‌جمهوری انتصابی یا سیستم تک‌حزبی را سرلوحه قانون اساسی قرار دهد، بر نقش مردم در انتخاب ۴ ساله حاکمان و دولتمردان تاکید کرد و نگذاشت چرخه قدرت، بسته و تک‌حزبی تعریف شود. تاحدی که انتخاب رهبری نیز به دست مجلسی از منتخبان مردم صورت می‌پذیرد.

توجه کنید در حالی که پس از ۴۵ سال از نخستین انتخابات ج.ا.ایران همچنان بسیاری کشورهای مسلمان منطقه خلیج فارس و شمال آفریقا، آرزوی رقابت انتخاباتی را دارند، چرخه سیاسی مردم‌سالار ما موجب شده مردم زشتی یا زیبایی عملکرد دولت را نتیجه رای و تصمیم خود ببینند و حتی نقد و شکایت و ناراضی خود را از طریق «چرخش انتخاباتی» نشان دهند. چرخش از اکبر هاشمی رفسنجانی به سید محمد خاتمی در ۱۳۷۶ و از خاتمی به محمود احمدی‌نژاد در ۱۳۸۴ و از احمدی‌نژاد به حسن روحانی در ۱۳۹۲ و از روحانی به شهید سید ابراهیم رئیسی در ۱۴۰۰ تا انتخاب مسعود پزشکیان در مقابل رقیبی چون سعید جلیلی در ۱۴۰۳. اینها همه مظهر تصمیم مردم برای چرخش روش اداره کشور محسوب می‌شود. در هر نقطه عطف، بسیاری رویکردها جای خود را به نگرش‌های متفاوت می‌داد و می‌دهد. گاه راس دولت عامل بهم خوردن اوضاع در تیر ۱۳۷۸ یا آبان ۱۳۹۸ یا قهر ۱۰ روزه با رهبری و دولت نیز شدند اما در همه این احوال، دوره ریاست جمهوری ۸ ساله خود را به پایان رساندند. البته جزئیات مردم‌سالاری ما ضعف و ایراداتی دارد اما در کنار استقلال طلبی خارجی، عنصر هویت بخش سیاست داخلی ما همین مردم‌سالاری دینی، محسوب می‌شود.

رژیم تک‌حزبی بعث در سوریه از چنین نسبتی با مردم خودش محروم بود و بر در و دیوارهای دمشق بارها می‌دیدید که «نعم لاسدالی الاید» یعنی تا ابد، اسد رئیس ماست. یک رمز انباشت طولانی ناراضی‌های داخلی و عدم مقاومت مردم شهرها در برابر مخالفان، همین نسبت آنها با رئیس‌جمهورشان بود.

مردم ما به چشم دیدند در دوره‌هایی که گمان می‌رفت مقامات دیگر نظام فرد دیگری را ترجیح می‌دادند باز هم حاضر نشدند ۳۰۰ هزار رای را باطل کنند و فردی با ۵۱ درصد آراء ماخوذه ۸ سال به ریاست جمهوری رسید و علیرغم برخی تذکرات، مهمترین توافق سیاسی خارجی سه دهه اخیر را منعقد کرد و البته با عهدشکنی آمریکا آن شد که می‌دانید. یا در انتخابات تیر ۱۴۰۳ کثیری از رجال سیاسی و مذهبی در حمایت از محمدباقر قالیباف وارد شدند اما صندوق‌های رای انتخاب دیگری داشت.

مجموعاً این آغوش جمهوری اسلامی ایران برای روسای جمهور با رویکردهای کاملاً متفاوت، خود از جلوه‌های زیبای اینها بر خواست مردم و در سطوح بالا عامل ثبات‌آفرین و موجب کنترل انحمار و خودسری و فساد است. شاید امروز بیشتر حکمت اصرار رهبر انقلاب بر جلوه‌های مردم‌سالاری دینی را می‌فهمیم و قدر می‌دانیم. در پایان هم برای اینکه اسیر جو یاس‌آور نشویم یادآور می‌شوم ۲۳ سال قبل در شرق ایران دولت آمریکایی در افغانستان مستقر بود و در غرب ایران هم دولت آمریکایی در عراق (نه نیابتی مثل ترکیه در دولت آتی سوریه). از آن تهدید مرز به مرز، جمهوری اسلامی بتدریج فرصت ساخت. امروز هم بشرطها و شروطها می‌توان.

پریسانصرآبادی

۱. رهبر انقلاب صراحتاً دفاع از هر کشور در برابر تجاوزات و تهاجمات خارجی را وظیفه‌ی نیروهای نظامی و ارتش آن کشور خواندند و عقب‌نشینی و نمایش ضعف از سوی ارتش سوریه را مهم‌ترین عامل در غلبه‌ی نیروهای مهاجم، اشغال و تصرف سوریه، از دست رفتن استقلال و تهدید حاکمیت سرزمینی سوریه دانستند

۲. رهبر انقلاب در سخنان خود بر هیچ یک از اتهاماتی که در روزهای اخیر حتی از سوی نیروهای هوادار جبهه مقاومت به بشار اسد نسبت داده شده، صحنه نگذاشتند. تنها در جایی که به طبیعی بودن فراز و فرودها و توالی پیروزی‌ها و شکست‌ها اشاره کردند، این موضوع را برجسته کردند که نباید در برابر شکست‌ها و ناکامی‌ها ناامید و سرخورده شد؛ بلکه تلویحاً گفتند که باید ایستاد و جنگید و مقاومت کرد. شاید این تنها فرازی از سخنان ایشان بود که به می‌توان به اسد مرتبط دانست

۳. عطف به موارد ۱ و ۲ در جایی از سخنان خود اشاره به هشدارهای مکرری کردند که از شهریورماه، دستگاه‌های امنیتی ایران به مقامات سوریه داده بودند: ایشان در این مورد نیز ابراز عدم اطمینان کردند که داده‌های هشدارآمیز ایران به دست مقامات عالی و ذی‌ربط سوریه رسیده باشد و تلویحاً به امکان نوعی هم‌دستی و توطئه در رده‌هایی از مقامات سیاسی و نظامی سوریه با پروژه‌ی مهاجمان و اشغالگران اشاره کردند

۴. تاکید رهبری بر «جوانان غیور سوریه» به عنوان نیروی رهایی‌بخش سوریه که با ایمان و وطن‌دوستی کشورشان را از شر مهاجمان بیگانه و تروریست‌های داخلی نجات خواهند داد، در واقع اشاره به «نیروهای دفاع ملی سوریه» (قوات الدفاع الوطني) بود که به بسیج سوریه نیز معروف است. این گروه شاخه‌ای از نیروهای مسلح سوریه است که غالباً از نیروهای داوطلب مردمی در سال ۲۰۱۲ تشکیل شده و نقش مهمی در آزادسازی و پاکسازی مناطق تصرف‌شده‌ی سوریه داشته است

۵. رهبر انقلاب بر خلاف برخی از مقامات فعلی و سابق ایران، از تعامل با مهاجمان تروریستی که اکنون قدرت را به دست گرفته و در صدد تشکیل دولت جدید سوریه هستند، صحبتی نکردند. بلکه فحواً کلام ایشان بر قیام و مبارزه و مقاومت مردم سوریه در برابر دولت‌های مهاجم خارجی،

ما و سوریه: هفت نکته از سخنان امروز رهبر انقلاب



اشغالگران صهیونیست و تروریست‌های مسلح که دمشق را تصرف کرده‌اند، دلالت می‌کرد

۶. رهبر انقلاب در سخنان خود روایت سومی را مطرح کردند که نشان می‌دهد از هر دو سمت سوریه و ایران، اصل مسأله‌ی کمک محل بحث نبوده، بلکه ممتنع بودن شرایط انضمامی میدان، امکان کمک‌رسانی را مختل کرده است:

«ما در همین شرایط دشوار هم آماده بودیم [کمک کنیم]. این‌جا به من آمدند گفتند که همه‌ی امکاناتی که برای سوریه‌ها امروز لازم است ما آماده کرده‌ایم و آماده‌ایم که برویم. آسمان‌ها بسته بود، زمین بسته بود، رژیم صهیونیستی و آمریکا هم آسمان سوریه را بستند، هم راه‌های زمینی را بستند، امکان نداشت. این‌جوری است قضایا. انگیزه‌ها اگر چنانچه در داخل آن کشور به حال خود باقی می‌ماند و می‌توانستند در مقابل دشمن حرفی داشته باشند دشمن آسمانشان را هم نمی‌توانست ببندد، راه زمینی را هم نمی‌توانست ببندد. می‌شد بهشان کمک کرد.»

این کلام ایشان به روشنی با هر دو روایت غالب در رسانه‌های داخلی و خارجی متفاوت است

در روایت اول، اسد از درخواست مستقیم برای کمک نظامی و لجستیکی از ایران امتناع کرده و ایران هم نمی‌توانسته بدون مطالبه‌ی رسمی و صریح حکومت سوریه اقدام به کمک کند

در روایت دوم، ایران علی‌رغم درخواست مستقیم و صریح اسد، از کمک به سوریه استنکاف کرده است

هم‌چنین بین خطوط سخنان رهبری در این فراز می‌توان سرزنش ارتش سوریه و وادادن زود هنگام آنان را نیز دید، که اگر بدون مقاومت عقب‌نشینی نمی‌کردند و راه را برای دشمنان باز نمی‌گذاشتند، امکان کمک‌رسانی ایران هم با مشکل مواجه نمی‌شد.

۷. فحواً کلام رهبر انقلاب بر این امر متمرکز بود که از دست رفتن موقتی سوریه، به معنای از هم گسیختگی جبهه‌ی مقاومت در منطقه نیست. شاید زمان ببرد اما هم سوریه به جبهه‌ی مقاومت برمی‌گردد و هم مقاومت در نقاط دیگر منطقه گسترش می‌یابد. چه بسا بتوان «سایر نقاط منطقه» را به فراتر از غرب آسیا نیز تسری داد، هر چند که نفوذ مقاومت در آن نقاط، چندان که باید مرئی نشده است

پیروزی اراده الهی

سال‌های پیش، زمانی که رژیم تروریستی آمریکا به عراق یورش برد و خاک این کشور را اشغال کرد، نگرانی عمیقی در دل مؤمنان و دلسوزان نسبت به وضعیت مردم عراق و اماکن مقدسه وجود داشت. بسیاری بر این باور بودند که این تهدید می‌تواند عواقب وخیمی برای جمهوری اسلامی ایران و کل منطقه به بار آورد. با این حال، به تدریج روشن شد که در دل این بحران، فرصت‌های کم‌نظیری نهفته است. عراق دیروز، تحت سلطه صدام جنایتکار کجاء عراق امروز، دوست مقاومت و میزبان اربعین حسینی کجا؟ تاریخ مملو از این قبیل اتفاقات آموزنده است که پیروزی نهایی اراده الهی بر اراده شیاطین مستکبر جهانی را نشان می‌دهد.

در همین راستا، روز گذشته، امام خامنه‌ای در نخستین سخنرانی خود پس از سقوط حکومت اسد و اشغال خاک سوریه توسط مزدوران آمریکا و اسرائیل، به ضرورت قیام جوانان غیور سوریه علیه دشمنان اشاره کردند و آینده‌ی روشن را برای این کشور ترسیم کردند که همه‌ی ما باید برای تحقق فوری آن نقش آفرینی کنیم. شهید حاج قاسم سلیمانی سال‌ها پیش به روشنی ظرفیت بالا و روحیه ایثار و مبارزه‌ی جوانان غیور سوریه را به ما نمایاند و ثابت کرد که این ملت مظلوم قادرند قهرمانان بزرگی را برای دفاع از سرزمین خویش به میدان مبارزه بفرستند. با این حال، در سال‌های بعد، حکومت اسد، که می‌توانست از این ظرفیت مردمی بهره‌برداری بسیاری کند، با بی‌توجهی به این فرصت نه تنها بر قوت آن نیفزود، بلکه به دلخوشی وعده‌ی دشمن مسیر انحلال آن را نیز پیش گرفت و همین امر به تسلیم ارتش ناتوان او در برابر دشمن و در نهایت به سقوط حکومتش انجامید.

اما آیا هنوز فرصتی برای بازسازی این ظرفیت عظیم مردمی و به میدان آوردن جوانان غیور سوریه وجود دارد تا دوباره با عزمی راسخ و ایمانی مثال زدنی به مبارزه با دشمن بپردازند و پیروز شوند؟ پاسخ به این سؤال به‌طور قطع مثبت است. هم در قرآن کریم، به صورت مکرر شاهد وعده‌های قطعی خدا درباره یاری شدن مجاهدان و پیروزی آنان هستیم و هم در میدان، شاهد مثال‌های روشنی از موفقیت‌های گروه‌های مقاومت بودیم و هستیم مانند حزب الله که از حلقه‌های کوچک و شمار اندکی از جوانان غیور لبنان شروع کرد و امروز به یکی از تأثیرگذارترین ریشه‌دارترین نیروهای مقاومت در منطقه غرب آسیا تبدیل شده که مجهزترین ارتش دنیا هم توان نابودیش را ندارد. نمونه‌های دیگری نظیر حماس در فلسطین و انصارالله در یمن نیز بارآراده و ایمان قوی توانسته‌اند در دشوارترین شرایط رشد کرده و به موفقیت‌های چشم‌گیری دست یابند. مثال‌های تاریخی ترمانند وقوع انقلاب اسلامی در ایران و پیروزی رزمندگان در دفاع مقدس نیز حاکی از این حقیقت است.

بنابراین، همان طور که جوانان غیور سوریه با ایمان به خدا و مقاومت قدرتمندانه موظفند در سرنوشت کشور خود تغییرات مهمی ایجاد کنند، مانیز به‌عنوان هم‌جبهه‌ی‌های آنان موظفیم با بهره‌گیری از تمامی منابع موجود، شامل کمک‌های نظامی، مالی، انسانی، فکری، عقیدتی، رسانه‌ای و... از آنان حمایت و تقویتشان کنیم. این تلاش جمعی به خواست خدا خواهد توانست به زودی تحولات بنیادینی در کشور سوریه و در سطح گسترده‌تری در منطقه و حتی در سرنوشت جهان ایجاد کند و به شتاب روزافزون نابودی رژیم منحوس اسرائیل و اخراج کامل رژیم تروریستی آمریکا از منطقه بیفزاید؛ ان شاء الله.

چرا رسانه‌های اجتماعی-ارتباطی سلاح‌های جدید در جنگ‌های شناختی-ترکیبی امروز هستند؟

سیدعلیرضال داود



اما نکته بسیار مهمی که رهبر انقلاب به آن اشاره کردند قدرت بیشتر رسانه از موشک و پهپاد بود، چرا که در عصر جنگ‌های شناختی هیچ جامعه‌ای خارج از قلب‌ها و ذهن‌های مردمانش شکست نمی‌خورد، حتی با داشتن قویترین سلاح‌های جنگی! که البته این سلاح‌ها، موشک‌ها و... قدرت بازدارندگی ایجاد می‌کنند به شرطی که سرمایه اجتماعی آن کشور پشتیبان آن باشد و زیر بمباران اطلاعات جعلی و منفی استحال و دچار تغییر نشده باشد! بیشتر نیز رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب به موضوع رسانه و فضای مجازی اشاره کرده بودند: "در طول این چهل سال — و اکنون

مانند همیشه — سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیتها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسّنات بزرگ، برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت میکنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این

رهبر حکیم انقلاب اسلامی در دیدار نوروزی با شاعران با اشاره به اینکه رسانه‌ها بیش از موشک و پهپاد بر عقب راندن دشمن اثر می‌گذارد، فرمودند: شعر رسانه است. امروز در دنیا چالش‌ها و درگیری‌ها، چالش‌های رسانه‌ای است. رسانه‌ها بیش از موشک و پهپاد و هواپیما در عقب راندن دشمن تأثیر می‌گذارند و دلها و ذهن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. هر کس رسانه قوی‌تر داشته باشد در اهدافی که دارد موفق‌تر خواهد بود.

اشاره چندباره رهبر حکیم انقلاب اسلامی طی سال‌های اخیر به قدرت تأثیر رسانه بر دل‌ها و ذهن‌ها نشان از اهمیت این موضوع دارد. دقیقاً در جنگ شناختی — ادراکی ذهن‌ها و دل‌ها تسخیر می‌شوند و مهمترین ابزار این تسخیر در عصری که ما زندگی می‌کنیم فضای مجازی و رسانه‌ها هستند. سال‌ها قبل آمریکایی‌ها در سندی محرمانه با عنوان "How can us capture the mind of the enemy?" به تسخیر دل‌ها و ذهن‌ها اشاره تسلط بر جهان اسلام و ایجاد یک سیمای نوین از جهان اشاره کرده بودند.

در این سند ۳ راهبرد اصلی برای ایجاد این سیمای نوین عنوان شده بود:

۱. ایده‌های مشترک (عقاید مشترک، جهان بینی یکسان، جهت گیری مشترک)؛
۲. جهانی کردن اقتصاد (سبک زندگی یکسان)؛
۳. داشتن اطلاعات یکسان در آن واحد (حکمرانی شبکه‌ای مبتنی بر فضای سایبر و متاورس و...).

نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است."

امروز نیز در این جنگ شناختی — رسانه‌ای تمام ما و جامعه‌ی ما هدف این حملات و بمباران شبانه روزی هستیم. ما کسانی هستیم که کلیک‌هایشان تصمیم می‌گیرد کدام طرف برنده شود، حتی پسندیدن‌ها، حتی بازنشرها و... در این جنگ مدرن باید بدانیم جامعه همگن نیست و نمی‌شود روی همه یک عملیات را اجرا کرد و این جنگ نیازمند اطلاعات دقیق است. ما باید برای مدیریت، کنترل و مقابله با این جنگ عملیاتی را طراحی کنیم که بر ظرفیت‌های ذهنی و دلی دشمن تأثیر بگذارد و این در حالیست که فهم موضوعات نرم نیازمند زمان، صبر و تلاش بی‌وقفه است.

شهاب اسفندیاری

چرا خداوند گاهی به شکست مؤمنان راضی می‌شود؟



برای اسرائیل یک تهدید بود و غرب این را نمی‌پذیرد

بیژن عبدالکریمی

بسیار جالب است، افکار عمومی در ایران را به سمتی هدایت می‌کنند که مردم روسری از سر بردارند و علیه حکومت دینی بایستند.

همان‌ها در سوریه افکار عمومی را به سمت گرایش به ریش‌های بلند سلفی هدایت می‌کنند تا علیه حکومت سکولار بجنگند و یک حکومت سلفی با قوانین اسلامی و سفت و سخت بیاورند.

بباید کمی خودمان را از فریب‌های بزرگ رهایی بدهیم. بشار از آل سعود دیکتاتورتر است یا از آل خلیفه؟ آزادی‌های سیاسی و اجتماعی‌اش از عربستان سعودی کمتر است؟ هرآنچه غرب کوشید تا بن سلمان در عربستان اجرا کند، سالها قبل در سوریه وجود داشت، نه دین اجباری بود، نه حجاب.

مشروب هم سرو می‌شد، که البته اکنون اعضای تحریر الشام در حال حمله به فروشگاه‌های مشروبات الکلی هستند در حلب و باقی شهرهای در دستشان.

بین دختر و پسر هم دیوار نبود و...

بروید فیلم‌های سوریه که قبل ۲۰۱۰ در یوتیوب بارگذاری شده‌اند را ببینید، کشوری زیبا، توریستی، فعال و پویا، که کنسرت‌های خارجی که الان در عربستان مد شده، در آنجا برگزار می‌شد... هیچ شباهتی به کشورهای عربی دیگر نداشت، از همه هم سکولارتر بود.

اما اما و اما، برای اسرائیل یک تهدید بود و غرب این را نمی‌پذیرد.

بحث نه بر سر دین شماس، نه دیکتاتور بودن یا نبودن حکومت شما و نه حتی سکولار یا مذهبی بودن آن... هر کدام از اینها به مقتضای نیاز آنها می‌تواند برای ما مردم این منطقه زیبا یا زشت جلوه کند.

ما مردم خاورمیانه کی می‌خواهیم به خود بیاییم و دست از بازیچه سیاست‌های غرب و شرق شدن برداریم، خدا میداند. هر روز سازی می‌زنند و ما هم به هر سازشان آن گونه که می‌خواهند می‌رقصیم.

جبهه مقاومت

قوی‌تر باقی خواهد ماند

آیت‌الله نوری همدانی: حوادث اخیر در منطقه خصوصاً جریان سوریه زمینه‌ای برای جنایات بیش از پیش رژیم صهیونیستی فراهم نمود و خوی درندگی این رژیم سفاک را به نمایش گذاشت. بدون شک این نقشه آمریکا و اسرائیل است که توسط یک گروه تروریستی در حال انجام است.

هر کسی در این جنایت، رژیم صهیونیستی را همراهی کرد خود نیز گرفتار خواهد شد و به تعبیر امام راحل (ره) اسرائیل حدی برای خود نمی‌شناسد و همیشه به فکر تجاوز است.

بر نخبگان و خواص لازم است با توجه به توطئه رسانه‌ای دشمن که هدفش ناامیدی در مردم و جبهه مقاومت است را خنثی نمایند و نقشه‌های دشمن را که با توهم ضربه‌زدن به ایران اسلامی هستند نمایان سازند.

جبهه مقاومت باند خون‌های ریخته‌شده پایمال نخواهد شد و ما در کنار آن‌ها خواهیم بود.



خدا متنعم خواهند بود. آنان به فضل و رحمتی که خدا نصیبشان کرده شادمانند، دلشادند به حال آن مؤمنان که هنوز به آنها نپیوسته‌اند و بعداً در پی آنها به سرای آخرت خواهند شتافت که بیمی بر آنان نیست و غمی نخواهند داشت.

دلشادند به نعمت و فضل خدا و این که خداوند اجر اهل ایمان را هرگز ضایع نگذارد. آنها که دعوت خدا و پیامبر (ص) را، پس از آن همه جراحی‌هایی که به ایشان رسید، اجابت کردند؛ (و باز به سوی میدان نبرد حرکت کردند) برای کسانی از آنها، که نیکی کردند و تقوا پیش گرفتند، پاداش بزرگی است.

آن مؤمنانی که چون مردم (منافق) به آنها گفتند: لشکری بسیار بر علیه شما مؤمنان فراهم شده، از آنان در اندیشه و بر حذر باشید، (این تبلیغات) بر ایمانشان بیفزود و گفتند: خدا ما را کفایت کند و او نیکو وکیل و کارساز است. آن گروه مؤمنان با نعمت و فضل خدا در حالی بازگشتند که بر آنان هیچ الم و رنجی پیش نیامد و پیرو رضای خدا شدند، و خدا صاحب فضل و رحمتی بزرگ است. این فقط شیطان است که پیروان خود را (با سخنان و شایعات بی‌اساس) می‌ترساند. از آنها نترسید! و تنها از من بترسید اگر ایمان دارید!»

سیدالشهداء طعنه می‌زدند که اگر به حرف ما گوش کرده بودید آنها کشته نمی‌شدند. خداوند به آنها پاسخ می‌دهد که شما اگر می‌توانید از مرگ کسی جلوگیری کنید چرا مانع مرگ خودتان نمی‌شوید! در واقع از نگاه قرآن کسانی که از فرمان جهاد سرپیچی می‌کنند و دنبال بهانه برای ترک میدان هستند و یا در دل‌های مردم بذر هراس و تردید نسبت به اصل جهاد ایجاد می‌کنند، خود می‌توانند از عوامل شکست باشند.

و اما ترجمه آیات ۱۶۵ تا ۱۷۵ سوره آل عمران:

«یا هنگامی که مصیبتی (در جنگ احد) به شما رسید، در حالی که دو برابر آن را (در جنگ بدر بر دشمن) وارد ساخته بودید، گفتید: «این مصیبت از کجاست؟» بگو: «از ناحیه خود شماست (که در میدان جنگ، با دستور پیامبر مخالفت کردید!) خداوند بر هر چیزی قادر است.»

و آنچه در روز (أحد هنگام) مقابله دو صف کارزار به شما رسید به قضا و مشیت نافذ خدا بود (تا آنکه بیاماید اهل ایمان را) و تا معلوم کند چه کسانی ثابت‌قدم در ایمانند، و نیز برای این بود که منافقان شناخته شوند.

آنهایی که به ایشان گفته شد: «بیایید در راه خدا نبرد کنید! یا (حداقل) از حریم خود، دفاع کنید!» گفتند: «اگر می‌دانستیم جنگی روی خواهد داد، از شما پیروی می‌کردیم. (اما می‌دانیم جنگی نمی‌شود)» آنها در آن هنگام، به کفر نزدیکتر بودند تا به ایمان؛ به زبان چیزی می‌گویند که در دل‌هایشان نیست. و خدا به آنچه کتمان می‌کند، آگاه‌تر است. آنها هستند که به برادران خود - در حالی که از حمایت آنها دست کشیده بودند - گفتند: «اگر آنها از ما پیروی می‌کردند، کشته نمی‌شدند!» بگو: پس مرگ را از خودتان دور سازید اگر راست می‌گویید!

هرگز نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و نزد

لبه تیغ برخورد با مرجفون و حراست از آزادی بیان و انتقاد!

داوودمدرسی‌یان



شاخصه اصلی شناخت مرجفون، همین ترساندن مسئولان و مردم در برابر دشمن و هدایت آنها به سمت انفعال و تسلیم و سازش است.

نه تنها در نظام اسلامی که همه حکومت‌ها و دولت‌ها در جهان به این مسئله توجه می‌کنند که افراد و گروه‌هایی با جنگ روانی، مردم‌شان را نترسانند. یک اصل عقلانی است. اما این مسئله می‌تواند تیغ دولبه‌ای باشد که برخی مجریان و ضابطین قانون را به سمت محدودسازی آزادی انتقاد و بیان ببرد.

برخی در این باره به خطا و اشتباه می‌افتند و تفاوت بین "ترساندن مردم" با "انتقاد به انفعال در برابر دشمن" را متوجه نمی‌شوند و خواسته یا ناخواسته جلوی هر انتقادی را می‌گیرند!

بطور مثال فکر می‌کنند هر کسی برخی مسئولان را نقد کند که چرا در برابر دشمن منفعل عمل می‌کنند از مرجفون است.

باید افرادی در جامعه باشند که حواس‌شان به سیاست‌ها و تصمیمات منفعلانه دولتمردان باشد و اجازه ندهند خط عقب‌نشینی‌های غیر تاکتیکی ادامه پیدا کند و با غفلت جبهه مقاومت را متلاشی و سنگرها را یک به یک به دشمن تحویل دهند!

در مورد اقدامات اخیر دشمن می‌توان این مسئله را خوب

آیاتی از سوره آل عمران را می‌خواندم که با توجه به وقایع و شرایط اخیر منطقه توجهم را جلب کرد. طبعاً در مقام تفسیر نیستم و صلاحیت آن را ندارم و اصراری بر ربط دادن این آیات به حوادث و وقایع اخیر ندارم.

اما انکار نمی‌توان کرد که متن‌ها در زمینه‌های خاص گاه معانی خاصی در ذهن ما ایجاد می‌کنند. شاید بارها آیاتی را قبلاً خوانده باشیم اما در شرایط تاریخی و اجتماعی خاص معانی دیگری از آنها به ذهن متبادر شود. طبعاً ارزیابی روایی این برداشت‌ها با متخصصین و اهل فن است.

مسئله‌ای که در این آیات طرح می‌شود ریشه‌ها و علل شکست مؤمنان از مشرکان در جنگ احد است. نکته قابل تأمل اینجا است که قرآن ضمن بیان علت مادی شکست (سرپیچی از فرمان پیامبر و رفتن دنبال مال و غنائم) یک نتیجه و یا فایده شکست برای مؤمنین را هم بیان می‌کند که قابل تأمل است. انگار خداوند هم گاهی دلایلی برای شکست مؤمنان دارد.

با توجه به اینکه قرآن مکرر به پیروزی نهایی جبهه حق و مستضعفین نوید می‌دهد، سوال این است که چه امری می‌تواند آنقدر مهم باشد که حتی ضرر شکست (مقطعی) سپاه مؤمنان از مشرکان در برابر آن کمتر اهمیت داشته باشد؟ ظاهراً بنا به آنچه در این آیات بیان می‌شود این مسئله «آگاه شدن جامعه» است. گویی شناخته شدن حق از باطل، و خصوصاً شناخته شدن منافقان، و در نتیجه استوار شدن عزم‌ها و اراده‌ها، گاهی برای خداوند از پیروزی در جنگ هم مهمتر است.

البته در ادامه‌ی همین آیات خداوند از تحقق یک پیروزی بزرگ، که بر خلاف همه‌ی تصورات و انتظارات و هراس‌افکنی‌ها و با کمترین هزینه به دست می‌آید، خبر می‌دهد. این پیروزی حاصل حضور کسانی در میدان نبرد است که در جنگ قبلی ضربه خورده و مجروح شده بودند و علی‌رغم طعن مخالفان باز به میدان جنگ شتافتند. یعنی پیروزی نهایی حاصل مقاومت است. حتی پس از شکست.

نکته‌ی جالب این است که منافقان پس از شکست مؤمنان در جنگ احد و به شهادت رسیدن بزرگانی چون حضرت حمزه

مرجفون، افراد یا گروه‌هایی هستند که با دروغ و شایعه، دل مردم را خالی کرده و آنان را از جنگ، مبارزه و مقاومت می‌ترسانند و به مردم تزریق می‌کنند که شما نمی‌توانید مبارزه کنید، باید سلاح‌تان را زمین بگذارید شاید در امان باشید!

اینها یا مُردبگیر دشمن هستند و برای توسعه گفتمان تسلیم و سازش، مستقیم یا غیرمستقیم از دشمن، پول و امتیاز می‌گیرند یا هم بیمار دل و مریضند و بی‌مُرد و مواجب، افکار عمومی را به سمت تسلیم در برابر دشمن هدایت می‌کنند و مسئولین مملکت را به این محاسبه می‌رسانند که باید تسلیم شوید!

خداوند متعال خطاب به پیامبر بزرگ اسلام درباره اینها در آیه ۶۰ سوره احزاب می‌فرماید: "لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا"

"اگر منافقان و بیماردلان و آنها که اخبار دروغ و شایعات بی‌اساس در مدینه پخش می‌کنند دست از کار خود بر ندارند، تو را بر ضد آنان می‌شورانیم، سپس جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند!"

نظام اسلامی، نمی‌تواند و نباید به این تریبون‌ها اجازه ترساندن مردم را بدهد. چه اینکه این تریبون دار، رئیس‌جمهور، معاون وی یا وزیر و مدیر و نماینده مجلس باشد چه روزنامه و خبرنگار یا فعال سیاسی و استاد دانشگاه! فرقی نمی‌کند چه جایگاهی داشته باشد.



صیدنایا؛ رمز فراموشی غزه!

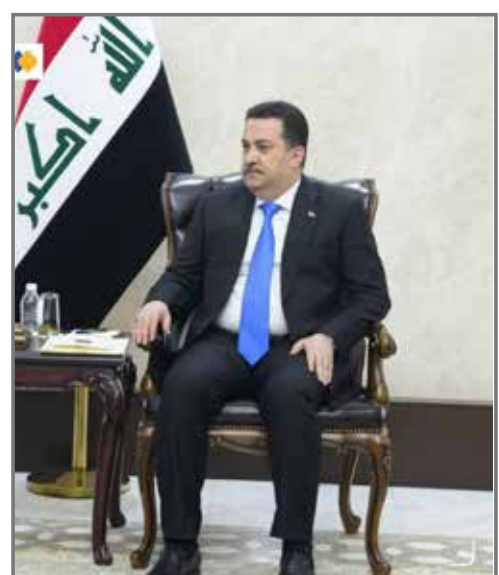
«زندانیان صیدنایا» پرتکرارترین عبارت این روزهای فضای مجازی جهان است! زندانی که بیشتر محبوسان آن به جرم اقدامات تروریستی، اقدامات علیه حاکمیت و ملت سوریه دستگیر، محاکمه و زندانی شده بودند. مسلحان هیئت «تحریر الشام» و بازگردانان پس پرده حوادث سوریه با برجسته سازی و بزرگنمایی آنچه در این زندان گذشته و ساخت اخبار و تصاویر جعلی با عنوان جنایت در صیدنایا در پی جلب توجهات بین المللی برای مشروعیت بخشیدن به حوادث این روزهای سوریه هستند. اگر چه رژیم بعث سوریه باید درباره آنچه در صیدنایا گذشته، خود پاسخ دهد؛ اما نمی توان نادیده گرفت بشار اسد از سال ۲۰۱۱ با پیچیده ترین و بزرگترین عملیات تروریستی و جنگ داخلی مواجه بوده و توانسته بود تروریست های سازمان یافته غربی - عبری را کنترل کرده و عقب براند.

در مسیر مقابله با تروریست های وابسته به غرب و رژیم صهیونیستی، حبس سرکردگان و عاملان آشوب های داخلی و تروریستی شاید کمترین مجازات باشد؛ اما اینکه امروز غول های رسانه های غرب در تلاش هستند اعضای گروه های داعش و جبهه النصره به عنوان نسخه قدیمی هیئت تحریر الشام را بی گناهان محبوس در زندان های سوریه جا بزنند، نشان از یک جنگ تمام عیار رسانه ای دارد! تروریست هایی که از سال ۲۰۱۱ جنایات زیادی را علیه غیر نظامیان در سوریه انجام دادند و هنوز هم بسیاری از مردم سوریه تصاویر و فیلم های این جنایات را طی یک دهه گذشته به یاد دارند و خاطرات بسیار بد آن زمان در ذهن هایشان حک شده است؛ اما عجیب تر از این بازی رسانه ای، این است که این جنگ رسانه ای را صاحبان زندان های مخوفی، همچون ابو غریب، گوانتانامو و ریکرز و ... هدایت می کنند!

البته این شگرد دوام زیادی نیاورد و با روشن شدن انتشار اخبار جعلی و دروغین درباره زندانیان، سازمان موسوم به «دفاع مدنی سوریه» که با نام «کلاه سفیدها» نیز شناخته می شود، گفت، به جست و جوی خود برای یافتن زندانیان احتمالی در زندان «صیدنایا» استان دمشق پایان داده است؛ چرا که هیچ سلول یا زیر زمین مخفی که در آن زندانی وجود داشته باشد، نیافته است.

البته خطاب به غربی ها و مدعیان حقوق بشر که امروز نگران سلول های زیر زمینی در سوریه هستند باید گفت، نیازی به حفاری و تلاش برای پیدا کردن زندان های مخفی در سوریه برای حمایت از حقوق بشر نیست. با اندکی توجه و دقت می توان به وضوح بزرگترین زندان و قتلگاه بشری بر روی کره زمین در نوار غزه را مشاهده کرد. رژیم صهیونیستی از یک سو شبانه روز در حال ظلم و جنایت در غزه است و از سوی دیگر نام زندانی در سوریه را بر سر زبان ها می اندازد تا به جای غزه تیرت یک رسانه های جهان شود.

اجازه تجاوز به خاک سوریه را نمی دهیم



نخست وزیر عراق با اشاره با تأکید بر لزوم جلوگیری از حمله به خاک سوریه، به وزیر خارجه آمریکا گفت که عمل شورشیان مسلح، برای بغداد اهمیت دارد، نه حرف های آنان.

خوشحالی غرب گریان و نابودی سوریه بدون مقاومت

ابوعباس نجات



که وجود یک دولت ضعیف و یک حاکمیت کم توان ولی یکپارچه و منسجم، مانع از تاخت و تاز بیگانگان و دشمنان یک ملت است. همزمان با تسلط تروریست ها بر دمشق و سقوط دولت سوریه، ارتش رژیم صهیونیستی بزرگترین تجاوز نظامی اش را به خاک این کشور انجام داد و در فاصله زمانی کمتر از دو روز، بیش از ۲۵۰ نقطه از سوریه را بمباران کرد و نتایج او رسماً اعلام میدارد ۶۰ درصد از خاک سوریه باید به نفع اسرائیل ضمیمه شود.

■ به بهانه ابراز شادی و شغف غرب گریان ایرانی و اقدامات آمریکا، اسرائیل و ترکیه در سوریه

جریان غرب گرا به فیلم ها و کلیپ هایی از درون خیابان های سوریه ضریب می دهد که جوانان سوری با شادی شعار می دهند: از شر دیکتاتور خلاص شدیم! سوریه آزاد شد! ایران رفت! در این روایت معیوب، روزهای سپاه سوریه از هرج و مرج و ناامنی تا اشغال مناطق گوناگون سرزمین سوریه توسط صهیونیست ها، بازتاب داده نمیشود. مرور اخباری همچون چون حمله رژیم اسرائیل به صدها موضع نظامی و زیر ساختی در سوریه، حمله آمریکا به بیش از ده ها نقطه در سوریه، حمله نیروهای نزدیک به ترکیه به منطقه منبج و به اسارت گرفتن زنان و دختران سوری و کشتار در بیمارستان توسط گروه های تکفیری و نیز اشغال شهرها و روستاهای جولان تا ریف دمشق توسط اسرائیل، بار دیگر این حقیقت را پیش روی ما می گذارد که تروریست هایی که امروز غارت و هرج و مرج در سوریه به پا کرده اند و همه جا شعار میدهند از شر دیکتاتور و ایرانی ها نجاتتان دادیم، جاده صاف کن صهیونیست ها بودند و همه کارشناسان منصف دنیا آینده تاریکی را برای سوریه و مردم این کشور پیش بینی میکنند.

غلبه سریع تکفیری ها و پیشروی سریع تر صهیونیست ها و تخریب زیر ساخت ها و تاسیسات راهبردی سوریه، همزمان با عملیات ترور دانشمندان و علمای سوری نشان می دهد

روزنامه عبری اسرائیل هیوم گزارش داد که رژیم صهیونیستی مساحت های جدیدی را در منطقه حائل در بلندی های جولان سوریه اشغال کرد و اشغال منطقه حائل در بلندی های جولان سوریه در نشست کابینه جنگ رژیم صهیونیستی اتخاذ شده بود. پیش بینی ها حاکی از آن است که اشغال سوریه ممکن است تا نقاط مرزی همسایگان عرب و ترک این کشور نیز ادامه یافته و تهدیدات اسرائیل گریبانگیر عراق و حتی امنیت داخلی ترکیه نیز باشد. با این اخبار، آیا غرب گریان وطنی که این روزها مشغول مقایسه وضعیت ایران و سوریه هستند، به نتایج و پیامدهای سقوط یک کشور توسط آمریکا و اسرائیل و گروه های مسلح اجاره ای اشاره خواهند کرد؟ آیا کسی هست که روایت تنگناهای معیشتی مردم سوریه بر اثر چند دهه فشارهای جبهه استکبار به جرم همراهی با جبهه مقاومت را تصویر کند؟

چرا جریان رسانه ای غرب گرا تمام کاسه کوزه ضعف های اقتصادی و اجتماعی سوریه را بر سر بشار اسد میشکند و با نادیده گرفتن نقش غرب و کشورهای همسوی عربی و رژیم اشغالگر، سعی دارد با تکرار کلید واژه دیکتاتور، جبهه مقاومت را مقصر نابسامانی های سوریه نشان دهد؟ این روزها بیشتر مراقب اخبار جهت دار و تحلیل های فعالان رسانه ای جریان غرب گرا و برخی تخریب ها با ژست دلسوزی علیه نظام و مسئولین نظامی کشور توسط برخی از افراد باشیم.

راستی آزمایی؛

چند پرسش از جولانی و شبه اصلاح طلبان

محمدایمانی

و انصار الله نفرت پراکنی کنند، اما جرئت اعتراض و انزجار نسبت به اشغالگران آمریکایی و صهیونیستی را از آنها می گیرد؟!

اینکه جولانی مثل موم در کف دست اتاق عملیات سیاه پنتاگون و موساد عمل می کنند، آیا به این علت نیست که وی در عراق به خاطر عضویت در القاعده، پنج سال در بازداشت نیروهای آمریکا بود و شخصیتش در زیر دست آنها چنان کوبیده و از نو ساخته شد که صرفاً به عنوان مهره دست آموز آنها رفتار کند: هر جا

که آمریکا خواست، هجوم ببرد و نسبت به هر طرف که آمریکا نخواست، زانو بزند و کرنش کند؟! وزارت خارجه آمریکا، جولانی را مه ۲۰۱۳ در فهرست «تروریست های جهانی ویژه» قرار داد، و ۴ سال بعد، جایزه ۱۰ میلیون دلاری را برای اطلاعات منجر به دستگیری او اعلام کرد. اکنون چگونه می توان پذیرفت که آمریکا که حضور نظامی مستقیم در سوریه دارد، چشمانش را بر این تروریست بسته باشد تا ظرف کمتر از ده روز از مسیر ترانزیتی عازم دمشق شود و خیمه شب بازی «آزادی سوریه» را ترتیب بدهد؟!

اما سوال مهم از طیف افراطی و غربگرای اصلاح طلبان: شما در فتنه های ۸۸، ۹۸، و ۱۴۰۱ به نحوی نقش آفرینی کردید که مطلوب آمریکا و اسرائیل بود و با این وجود، همسویی را انکار کردید. اخیراً هم پس از حرکت گروه های تروریستی مسلح از شمال و جنوب سوریه برای اشغال دمشق، آنها را مردم سوریه جا زدید! با این وجود، چرا کمترین اعتراضی نسبت به بمباران ۴۰۰

مقاومت، بخشی از هویت جدایی ناپذیر منطقه است

از نظر آمریکا صرفاً تغییر دولت ها کفایت نمی کند بلکه به تضعیف مطلق کشورها از دو حیث اقتصادی و نظامی چشم دوخته است به گونه ای که رژیم غاصب صهیونیستی بتواند به آسانی سیاست های توسعه طلبانه خود را پیش ببرد. در پرونده سوریه، آمریکا ابتدا بر منابع اقتصادی آن در شرق این کشور مسلط و مانع برخورداری دولت از دارایی های خود شد به گونه ای که دچار فقر مطلق شود و قادر به اداره نیروهای نظامی خود هم نباشد و سپس با اعمال تحریم های شدید تزار یا قیصر، مجاری تنفسی دولت و مردم سوریه را بست.

مقاومت در منطقه یک «طرح سیاسی» نیست که با توافق دو یا چند دولت و یا چند حزب سیاسی پدید آمده باشد. مقاومت مقتدرانه، حاجت عمومی مردم این منطقه در برابر طمع ورزی های آمریکا و رژیم غاصب است و این چیزی نیست که با سقوط یک دولت دچار دگر دپسی و کاستی شود. در سوریه، اگر بار مقاومت تا امروز عمدتاً بر دوش یک دولت یا یک حزب بوده، امروز بر دوش کل ملت سوریه و همه اجزای آن قرار گرفته و این چیزی نیست که قابل اسقاط باشد.

اکثر ملت ها و دولت های منطقه به خوبی می دانند، مقاومت سرمایه آنان در برابر نقض حاکمیت ملی شان، در برابر آمریکا و رژیم اسرائیل است. اگر آمریکایی ها و صهیونیست ها بر اساس تعلیمات ضداسلامی شان گمان می کنند مانور قدرت آنان علیه سوریه، لبنان و فلسطین سبب تسلیم ملت ها و دولت ها در منطقه می شود، حتماً دچار خطا هستند. نگاهی به مواضع ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی ماه های اخیر ملت ها و دولت های عربی، علی رغم آن که با حماس، حزب الله و دولت اسد اختلاف داشته اند، به خوبی وضع منطقه را نشان می دهد. مقاومت نه تنها بخشی از هویت جدایی ناپذیر منطقه است بلکه در رأس نیازهایی است که ملت ها و دولت ها به آن توجه دارند. تحریکات دشمنان اسلام و دشمنان اعراب، مقاومت را به حاشیه نمی برد، خودشان را بیش از پیش منزوی و منغور می گرداند.



موقعیت زیر ساختی سوریه و یورش رژیم صهیونیستی به عمق خاک سوریه و یا غارت منابع اقتصادی و نفتی این کشور از سوی آمریکا نشان نمی دهید؟! شما اگر دوستدار ملت ایران یا طرفدار مردم سوریه بودید، حتماً باید از این که گروه های تروریستی اجاره ای و نیابتی در منطقه جان بگیرند، نگران می شدید و هشدار می دادید. اما این بار هم دقیقاً به همان سمت غش کرده آید که آمریکا و رژیم صهیونیستی تور پهن کرده اند!

برخی از این عناصر (مثل سنگنوی جبهه اصلاحات و عضو گروه مجمع محققین)، پیش از این با وجود نسل کشی صهیونیست ها در غزه و محکومیت نخست وزیر رژیم در دادگاه بین المللی، خواستار احیای رویکرد منسوخ دو دولتی (رسمیت بخشیدن به اسرائیل) شدند و نشان دادند که نه اسلامی، نه ایرانی و نه انسانی می اندیشید، و اختیاری جز برای تطهیر و توجیه جنایات غرب ندارید.

راهکار چیست؟

چالش ناترازی بنزین در مقایسه با کشورهای منطقه

مصطفی عباسیان



سقوط سوریه از منظر بازوی اقتصادی ما!

علیرضا کیمیلی

هر چند در ایران رسم نیست کسی یا جمعی مقصر شناخته شوند و مجازات گردند ولی از آنجا که یک عامل مهم در این سقوط، خستگی تام مردم از بهبود وضعیت «اقتصادی» و معیشتی بود، بنا دارم تا به یک معضل عمیق و مهم در حوزه فعالیت اقتصادی بین المللی اشاره کنم. طبعاً واضح است که ما باندازه خودمان نقش داریم ولی همان هم کارآمد نبوده است! و اگر درمان نشود می‌تواند در عراق و لبنان و... هم رخ بنماید.

سالهاست که با تجار و سرمایه گزاران بخش خصوصی که بارها به سوریه رفتند و نهایتاً دلیل آنچه موانع کار توسط نیروهای ایرانی بود، دیگر به هیچ وجه به آنجا بازنگشتند. نشست‌ها، مشکل هم اینجاست که نیروهای نظامی امنیتی در آنجا تقریباً متولی همه امور بودند. نه اینکه بخش خصوصی کارا تر است ولی اصل غلبه نگاه امنیتی خود، مانع برخی کارهاست.

یکی بودن کنش گران نظامی با اقتصادی و عدم کارایی پس از جنگ آن، اصل دستاورد نظامی را هم در آن کشورها زیر سوال می‌برد لذا ما همچون مدل‌های آمریکایی، به تفکیک کنش گران فتح و تداوم نیاز داریم. شما که توانستید در حوزه امنیتی به مردم آن کشور کمک کنید نباید همان برند را در تداوم ناکارآمد عرصه اقتصاد، از بین ببرید.

همین تفکیکی که در داخل کشور بین نیروهای امنیتی و نظامی و اقتصادی و... هست باید در خارج هم باشد و واقعاً متخصصان فرهنگ و هنر و علم و اقتصاد در دوره «پس از نظامی گری» میدان دار ارتباطات و اجرا بشوند. اگر این «عناصر واقعی» میدان دار باشند حتما همکاری‌های مستمری شکل خواهد گرفت و انتقال فرهنگی نیز رخ می‌دهد.

البته مشکل اساسی اینجاست که الگوی «لزوم تقدم نظامیان» به عنوان یک مدل موفق شناخته شده است و کارها دایماً به آنها ارجاع داده می‌شود و در خود آنان نیز به بهانه «وحدت فرماندهی» سرنوشت همه امور عملاً به دست آنهاست! چون مقدس و خاص هستند هم معمولاً توسط رسانه‌ها و نخبگان نقد نمی‌شوند لذا اشکالات باقی می‌مانند!

ممکن است بگویم بدنه دولتی هم فشل است! بله! لذا معتقدم بخش خصوصی خودش اگر مانعی نبیند بشدت «فرصت طلب» است و حاکمیت باید فقط نقش تسهیل گر را بازی کند. نیاز به یک بازوی اقتصاد بین الملل چابک در کشور بشدت ملموس است. چیزی بیرون نهاد نظامی و حتی دولتی! افتامل!

دلایل بروز ناترازی بنزین در کشور

افزایش مصرف بنزین در ایران عمدتاً به دلایلی نظیر تولید خودروهای با مصرف سوخت بالا و عدم توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی بازمی‌گردد. در سال‌های اخیر، تولید خودروهای داخلی با فناوری‌های قدیمی و بهره‌وری پایین سوخت، سهم چشمگیری در افزایش تقاضای بنزین داشته است. از سوی دیگر، کمبود سرمایه‌گذاری در حمل‌ونقل عمومی، به‌ویژه در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها، باعث شده است که مردم برای جابه‌جایی بیش‌تر به استفاده از خودروهای شخصی روی بیاورند.

این افزایش تقاضا در حالی رخ داده که ظرفیت پالایشی کشور طی سال‌های گذشته به‌طور قابل‌توجهی افزایش نیافته است. عدم احداث پالایشگاه‌های جدید و عدم ارتقاء پالایشگاه‌های موجود موجب شده است که شکاف بین تولید و مصرف بنزین یا همان ناترازی انرژی تشدید شود. این ناترازی، که پیامدهای آن شامل افزایش واردات بنزین و فشار مضاعف بر منابع ارزی کشور است، به‌ویژه در شرایط فعلی اقتصادی، یکی از چالش‌های اساسی حوزه انرژی کشور به‌شمار می‌رود.

راهکارهای بهبود ناترازی بنزین در کشور

رفع این مشکل نیازمند رویکردی جامع شامل افزایش بهره‌وری سوخت در خودروها، توسعه حمل‌ونقل عمومی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های پالایشی است. از این رو می‌توان راهکارهای ذیل را جهت مدیریت ناترازی بنزین در ایران پیشنهاد نمود:

احداث پالایشگاه‌های جدید: احداث پالایشگاه‌های نسل سوم در راستای افزایش استقلال انرژی و تولید محصولات پتروشیمیایی پیگیری طرح‌های بهینه‌سازی و ارتقاء کمی و کیفی پالایشگاه‌های نفت خام موجود: افزایش تولید بنزین و گازوئیل معمولی و بورو و افزایش تاب‌آوری اقتصادی پالایشگاه‌ها متنوع‌سازی سبد سوخت حمل‌ونقل کشور: گسترش استفاده از سوخت‌های جایگزین نظیر CNG در ناوگان حمل‌ونقل عمومی و خصوصی.

نوسازی و توسعه ناوگان حمل‌ونقل عمومی: جایگزینی خودروهای فرسوده و بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی برای کاهش استفاده از خودروهای شخصی. سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی: اصلاح نظام قیمت‌گذاری بنزین از طریق الگوی پلکانی مبتنی بر نحوه مصرف، قیمت تمام شده بنزین و هزینه فرصت‌های مطرح و اعمال محدودیت‌های هوشمند بر مصرف خودروهای پرمصرف.

با اجرای این راهکارها و بهره‌گیری از تجارب منطقه‌ای، می‌توان چالش ناترازی بنزین را به فرصتی برای بهبود بهره‌وری انرژی و توسعه پایدار کشور تبدیل کرد.

در سال‌های گذشته است. به طوری‌که که برای نخستین بار تولید بنزین ایران در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ از عربستان پیشی گرفته و جز در مقاطعی مدو، همواره تولید بنزین ایران بیشتر از عربستان بوده و این اختلاف تولید در سال ۲۰۲۳ به ۱۰۱ هزار بشکه در روز رسیده است.

مصرف بنزین در ایران و کشورهای منطقه

در این قسمت به بررسی عملکرد مصرف بنزین طی دوره ۲۰۲۳-۲۰۱۲ پرداخته می‌شود. نمودار زیر نشان دهنده آمار مربوط به مصرف بنزین برای چهار کشور ایران، عربستان، امارات و قطر است. مشاهده می‌شود که دو کشور ایران و عربستان با اختلاف زیادی نسبت به سایر کشورها در رتبه‌های اول و دوم قرار دارند. روند مصرف بنزین در کشورهای غرب آسیا طی سال‌های اخیر، تصویری متنوع و با نوسانات زیاد را به نمایش می‌گذارد. در بازه زمانی ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰، مصرف بنزین در قطر تقریباً ثابت بوده، در حالیکه این روند برای امارات متحده عربی افزایشی و برای ایران و عربستان روند نزولی ثبت شده است. با این حال، در سایر بازه‌های زمانی، مصرف بنزین در ایران و عربستان مجدداً روندی افزایشی را تجربه کرده است.

مصرف بنزین امارات متحده عربی از ۱۲۸ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۱۲ آغاز شده و با نرخ رشد سالانه حدود ۶.۲ درصد، تا سال ۲۰۲۳ به ۲۴۹ هزار بشکه در روز افزایش یافته است. این در حالی است که مصرف بنزین در ایران و عربستان طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷ رشد قابل‌توجهی داشته، اما همان‌طور که در قبل نیز اشاره شد از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ با کاهش مواجه شده است.

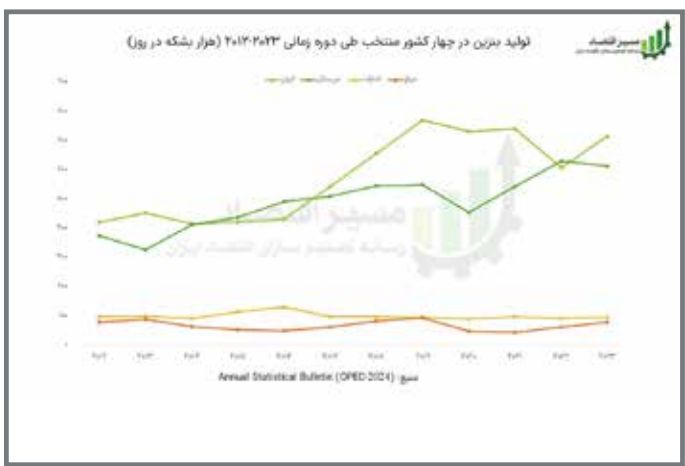
در عربستان، مصرف بنزین از ۴۵۵ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۲۰ به ۵۰۹ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۲۳ رسیده است. در بازه زمانی مذکور مصرف بنزین ایران نیز از ۵۵۰ هزار بشکه در روز به ۵۹۸ هزار بشکه در روز افزایش یافته که آن را در جایگاهی بالاتر از سایر کشورها قرار داده است.

از نکات برجسته در این روند، پیشی گرفتن ایران از عربستان در تقاضای بنزین است. تا پیش از سال ۲۰۱۸، عربستان رتبه نخست مصرف بنزین در منطقه را در اختیار داشت، اما از این سال به بعد، ایران جایگاه اول را تصاحب کرده است. این تغییر جایگاه، نشان‌دهنده تحولات کلیدی در ساختار مصرف انرژی و تقاضا در منطقه است.

ایران رتبه اول مصرف بنزین در منطقه

ناترازی بنزین در ایران، چالشی پیچیده و چندبعدی است که ریشه‌های آن در ترکیبی از عوامل داخلی نهفته است. در حالی‌که مصرف بنزین در کشورهای غرب آسیا، مانند قطر، روندی تقریباً ثابت داشته و امارات متحده عربی با رشد تدریجی مصرف همراه بوده، ایران با روندهای پرنوسان در تولید و مصرف مواجه است.

از سال ۲۰۱۸، ایران به بزرگ‌ترین مصرف‌کننده بنزین در منطقه تبدیل شده و از عربستان پیشی گرفته است. این امر به‌ویژه در مقایسه با تلاش کشورهای همسایه برای مدیریت مصرف و افزایش بهره‌وری، اهمیت چالش‌های ایران را پررنگ‌تر می‌کند.



برنامه محدودیت برقی را از سامانه «برق من» ببینید

تسهیل عرضه ارز صادراتی از مزایای راه‌اندازی بازار توافقی ارز است

احمد صالحی

راه‌اندازی بازار ارز توافقی را کارشناسان اقتصادی آورده بسیار خوبی از دوران مدیریت دکتر فرزین از دولت سیزدهم با تاکید بر ثبات اقتصادی می‌دانند به این خاطر معتقدند این طرح می‌تواند ثبات نرخ و عرضه ارز در بازار را تضمین کند. یکی از موضوعاتی که طی سال‌های اخیر همواره منجر به عدم عرضه ارز در اقتصاد ایران شده و بازگشت ارز حاصل از صادرات را با چالش‌ها و سختی‌هایی رو به رو کرده است عدم همسان‌سازی یا نزدیک بودن نرخ ارز بازار آزاد و نرخ ارز حاصل از صادرات بوده است به این معنا که صادرکنندگان به دلیل اختلاف قیمت بالای نرخ ارز تمایلی به عرضه ارز صادراتی خود به بازار نیما نداشتند.

مقاومت صادرکننده در برابر عدم عرضه ارز به بانک مرکزی یا سامانه نیما باعث عدم تامین ارز مورد نیاز واردات کالای اساسی یا ماشین‌آلات مورد نیاز تولید می‌شود. این روند تخصیص ارز وارداتی را به تاخیر می‌اندازد بنابراین عدم تامین مواد اولیه مورد نیاز تولید منجر به کاهش عرضه کالای اساسی و گران شدن اقلام مورد نیاز جامعه می‌شود. اینکه بانک مرکزی سیاست افزایش نرخ ارز نیمایی را در پیش گرفته با هدف عرضه بیشتر ارز حاصل از

صادرات منجر به طرح این پرسش شده که آیا این روند منجر به افزایش قیمت بازار آزاد می‌شود یا منجر به تثبیت قیمت ارز می‌شود باید گفت آن چیزی که همه در آن اشتراک نظر دارند این است که افزایش قیمت نیمایی یا چیزی شبیه بازار توافقی ارز منجر به افزایش عرضه ارز می‌شود نه افزایش قیمت در بلندمدت.

این روند باعث می‌شود دارندگان ارز ناشی از صادرات که در گذشته به دلیل اینکه منتظر تعدیل نرخ ارز هستند عرضه‌ای انجام نمی‌دادند و ارز خود را وارد باز نمی‌کردند رویه قبلی خود را تغییر دهند، لذا وقتی قیمت‌ها به سمت بالاتر برود تا در نهایت زمینه‌ها برای تک‌نرخ شدن و دور شدن از ارز چندنرخ فراهم شود شاهد ثبات نسبی در قیمت ارز خواهیم شد. این موضوع منجر به مساوی شدن کفه ترازوی عرضه و تقاضای ارز می‌شود یعنی بازار به ثبات نسبی می‌رسد. متأسفانه طی سال‌های گذشته به دلیل وجود فاصله قیمتی زیاد بین نرخ ارز بازار آزاد و سامانه نیما صادرکنندگان ارز چندان مایل به عرضه ارز خود نبودند به این خاطر اخباری مبنی بر عدم عرضه ارز به بازار و بانک مرکزی یا عدم عرضه کامل ارز شنیده می‌شد. شعار جهش تولید به عنوان

یکی از مهمترین شعارهای اقتصادی کشور قطعاً نیازمند تامین ارز است چرا که بخش قابل‌توجهی از مواد اولیه یا ماشین‌آلات و دستگاه‌های مورد نیاز تولید باید از خارج وارد شود.

اگر عرضه‌کننده ارز یعنی صادرکننده مایل نباشد ارز خود را در اسرع وقت به بانک مرکزی بدهد و واردکننده نیز مجبور به خرید از بازار آزاد در نرخ‌های بالا شود و بازار آزاد تحت فشار تقاضای بیشتر قرار بگیرد به معنای افزایش تورم و بالا رفتن قیمت تمام شده کالاست بنابراین باید صادرکننده تشویق شود ارز خود را عرضه کند به این خاطر بانک مرکزی سامانه ارز توافقی را به عنوان یک ابتکار عمل تسهیل‌گری عرضه و تقاضای ارز در نظر گرفته است. این شیوه بسیار خوبی برای تامین ارز متقاضیان واقعی ارز است نه کاسبانی که ارز را برای فشار به بازار و سودآوری و افزایش سود خود خریداری می‌کنند. قطعاً در این چرخه به دلیل تسهیل‌گری نرخ ارز به ثبات نسبی می‌رسد و شاهد افزایش متعدد نرخ ارز در بازه زمانی نه چندان بلندی نخواهیم بود.

کیکی که محبوب نیست!

محمد تقی فهیم - محسن رفیعی

با همت میز مطالعات رادیو و تلویزیون مرکز مطالعات راهبردی ژرفا نقد و بررسی فیلم سینمایی «کیکی محبوب من» از سلسله جلسات محفل نقد و بررسی با نام با حضور محمد تقی فهیم پژوهشگر و منتقد سینما و محسن رفیعی مدیر اندیشکده هنر و رسانه مرکز ژرفا برگزار شد.

■ تناسب فیلمنامه «کیکی محبوب من» برای فیلم کوتاه

در این جلسه، محمد تقی فهیم پژوهشگر و منتقد سینما درباره فیلمنامه گفت: در هر کشور براساس استاندارد بومی آن منطقه شاهد تولید فیلمنامه‌های متنوعی هستیم، مثلاً سینمای هند یا فیلم‌های ۴ ساعته و سینمای اروپا یا فیلم‌های ۹۰ دقیقه‌ای مواجه هستیم، با این حال استاندارد منطقی تولید فیلم سینمایی ۱۲۰ دقیقه است که برای هر دقیقه باید یک صفحه دیالوگ با انسجام محتوایی خاص نگارش شود.

وی نسبت به فیلمنامه «کیکی محبوب من» انتقاداتی وارد کرد و افزود: کارگردان این فیلم از لحاظ فنی می‌توانست با فیلمنامه موجود یک فیلم کوتاه حرفه‌ای به صورت ۱۰ الی ۱۵ دقیقه تولید کند، اما وجود محتوای کلیشه‌ای و اضافه کردن مطالب غیرمرتبط باعث عدم انسجام در شخصیت پردازی و تأثیر گذاری داستان شده است، به نحوی که به نظر می‌رسد فیلمنامه اصلی «کیکی محبوب من» کلاً ۲۰ الی ۳۰ صفحه بوده است. محمد تقی فهیم درباره شخصیت‌سازی این فیلم سینمایی توضیحاتی داد و خاطر نشان کرد: در سینما سه نوع شخصیت پردازی داریم، تحت عنوان کارکتر، تیپ و شخصیت‌های خاکستری که تیپ‌سازی به عنوان قالب فیلم‌های سینمایی در اروپا مانند چارلی چاپلین از دو مورد دیگر ارزشمندتر و البته سخت‌تر است، اما در این فیلم هیچ‌گونه شخصیت پردازی صورت نگرفته و فیلمساز صرفاً مانند فیلم‌فارسی‌های قبل از انقلاب به دنبال استفاده از نمادهایی که خطوط قرمز جمهوری اسلامی را رد می‌کند.

■ القای ممنوعیت‌های دروغین در کشور

این منتقد سینما درباره تابوشکنی‌های فیلم «کیکی محبوب من» تأکید کرد و گفت: فرامرز در این فیلم به مهین گفت که به دلیل نواختن موسیقی در مراسم عروسی بازداشت شده است، در حالی که روزی هزاران عروسی در کشور با آهنگ‌های امروزی برگزار می‌شود و مشکلی برای آن‌ها از لحاظ قانونی ایجاد نمی‌شود، همچنین فضای کشور به‌گونه‌ای بسته و عقده‌گرا نشان داده شده است که یک پیرمرد با پیشنهاد ساده با یک پیرزن وارد رابطه می‌شود، به‌گونه‌ای که انگار مسیر حلال برای حواجی جنسی در کشورمان وجود ندارد.

این منتقد سینما به توضیحاتی پیرامون اهمیت شناسنامه کارکنان دولتی و بیان کرد: روند نمایشی داستان‌های اعتراضی مانند «کیکی محبوب من» باید به‌گونه‌ای باشد که عملکرد شخصیت با شناسنامه آن با هم قرابت معنایی داشته باشند، به‌گونه‌ای که تغییرات رفتاری در کارکتر باید مبتنی بر جریان تغییر شرایطی باشد که در تاریخچه زندگی وی نمود داشته است، اما در فیلم مذکور شاهد هستیم که مهین به یک باره پس از مدت زیادی انزواگرایی، تنها مسیر تن دادن به روابط نامشروع را برای خروج از تنهایی انتخاب می‌کند، در حالی که با توجه به شرایط مطلوب مالی می‌توانست به اقدامات خیریه بپردازد یا فرزندی را به سرپرستی قبول کند.



«گردن زنی» پرمخاطب‌ترین سریال نمایش خانگی شد

براساس آمار منتشر شده توسط مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع) سریال گردن‌زنی با ۸۱۲ مخاطب در صدر پرمخاطب‌ترین تولیدات نمایش خانگی در آبان ۱۴۰۳ جای گرفت. مجموعه تلویزیونی داریوش هم با ۲۱۲ در جایگاه دوم قرار گرفت.

سریال قهوه پدری با ۸۹ درصد مخاطب، رتبه سوم را کسب کرده و بازنده با ۷۷ درصد بیننده، در جایگاه آخر فهرست رقابت سریال‌ها ایستاده است و در این موج نیز نتوانسته به میزان مورد انتظار مخاطب جذب کند.

بازار داغ فیلم‌های کودک و نوجوان

براساس آمار موجود در سامانه سمفا مجموع فروش کل سینما در هفته سوم آذر ماه ۶۸ میلیارد تومان است و فیلم‌های بهرام افشاری، رامبد جوان و سروش صحت همچنان در صدر جدول دیده می‌شود.

در میان ۱۰ اثر پرفروش ۳ اثر کم‌دی، ۴ اثر کودک و نوجوان، ۲ فیلم در ژانر درام و ۱ اثر جنگی است و حدود ۶۶ میلیارد تومان از فروش گیشه مربوط به همین آثار می‌شود. این موضوع که از ۱۰ اثر پرفروش، ۴ اثر در ژانر کودک و نوجوان است نشان می‌دهد، این آثار در هفته سوم آذر ماه مورد اقبال قرار گرفته است.

کدام فیلم‌ها در ۸ ماه کمترین فروش را داشتند

بررسی‌های «فرهیختگان» نشان می‌دهد در ۸ ماه نخست سال جاری، ۴۹ فیلم در سینماها اکران و با آمدن ۲۲ میلیون و ۷۰۲ هزار مخاطب، ۱ هزار و ۲۶۲ میلیارد و ۸۰ میلیون تومان عاید گیشه شده است. از میان فیلم‌های اکران شده ۲۶ اثر درام، ۱۲ اثر کم‌دی، ۷ فیلم کودک و نوجوان، ۲ اثر دفاع مقدس، یک اثر ورزشی، یک اثر اکشن و یک اثر جنگی بودند.

از میان ۱۵ اثر کم‌فروش در گیشه، ۲ فیلم در ژانر کودک و نوجوان، ۱ اثر در ژانر اکشن و ۱۲ اثر دیگر در ژانر درام تولید شده بودند. در این میان اما ژانرهای پرفروش‌ترین فیلم‌ها را هم بررسی کردیم که به ۸ فیلم کم‌دی، ۴ درام، ۱ جنگی و ۲ فیلم کودک و نوجوان رسیدیم. در واقع مجموع فروش این ۱۵ اثر عدد سه میلیارد و ۱۹۳ میلیون تومان است. یعنی زیر یک درصد از فروش کل سینما. این در حالی است که ۱۵ فیلم پرفروش با رقم یک هزار و ۵۹ میلیارد تومان صاحب ۹۲٪ از فروش گیشه است.

بازگشت «فرار از زندان» با بازیگران جدید



شبکه هولو اعلام کرد که قصد دارد یک پایلوت از سریال جدید «فرار از زندان» بسازد.

این سریال قرار است در همان فضای «فرار از زندان» اصلی ساخته شود، اما ماجراهای دیگری با تمرکز بر گروه جدیدی از زندانیان شکل می‌گیرد.

شنیده‌ها حاکی از این است که این مجموعه با همکاری الگین جیمز ساخته می‌شود، اما شخصیت‌های اصلی سریال «فرار از زندان» یعنی مایکل اسکافیلد با بازی ونتورث میلر و لینکلن باروز با بازی دومینیک پرسل در سریال جدید ایفای نقش نخواهند کرد.



مدیر اندیشکده هنر و رسانه مرکز مطالعات راهبردی ژرفا ضمن تأکید بر این که زبان هنر بهترین ابزار برای ایجاد جریان‌سازی فرهنگی است، اظهار کرد: سه هدف سرویس‌های خارجی از طریق سفارت‌خانه اروپایی در حوزه فرهنگی کشورهای بلوک شرق، اولاً سرخوردگی فرهنگ ملی، القای فرهنگ غربی و تثبیت فرهنگ تحمیلی در کشورهای مورد هدف است، در این اثر نیز شاهد ردی ۳ کشور اروپایی سوئد، فرانسه و آلمان هستیم که در اثبات هدفمند بودن تولید این فیلم کافی است.

■ تناقضات محتوایی در فیلمنامه «کیکی محبوب من»

محسن رفیعی بر تناقضات تولیدی این فیلم تأکید کرد و گفت: مهین یک زن ۷۰ ساله ظهر از خواب بیدار می‌شود و به صورت تماس ویدیویی با دختر خود تماس برقرار می‌کند، ولی برای خرید به مدت طولانی منتظر گرفتن تاکسی خطی می‌شود و ادعا می‌کند کار با برنامه‌های تاکسی اینترنتی را بلد نیست، همچنین عدم تغییر حال مهین از مصرف زیاد مشروبات الکلی علیرغم مرگ فرامرز از جمله تناقضات محتوایی این فیلم محسوب می‌شود.

محسن رفیعی همچنین به این نکته اشاره کرد که در طول این فیلم شخصیت زن داستان مانند آدم ساده و زودباور تمام مسائل پیرامونی خود را ارزیابی می‌کند و در تعاملات با دیگران هم از این قاعده تبعیت می‌کند ولی در انتهای فیلم شخصیت زن مانند یک قاتل حرفه‌ای به دنبال از بین بردن حضور این شخصیت مرد در خانه خود می‌شود و فرامرز را در حیاط خانه خود دفن می‌کند.

وی در پایان به فیلم‌های متعارف ازدواج سالمندان اشاره کرد و افزود: بسیاری از فیلم‌های مشابه با فیلمنامه «کیکی محبوب من» مانند «خواستگاری» در سال ۱۳۶۸ به کارگردانی مهدی فخیم زاده، عشق را مبتنی بر عرف‌های جامعه و چارچوب‌مند نشان می‌دهند، بنابراین این اثر دارای جنبه‌های تعمدی سیاه‌نمایی و تشریح وضعیت بسیار نادر بوده و قصد نمایش بحران اجتماعی در جامعه ایران را دارد، جامعه‌ای که حاکمیت به همراه قشر مذهبی با اخلاق تند در جایگاه سرکوب آزادی و امپال فردی افراد هستند، بنابراین اهداف سرمایه‌گذاری ۳ کشور اروپایی در این فیلم تا حدود زیادی محقق شده است.

اعتبار جایزه جلال آل احمد به دقت علمی در داوری هاست

ماجرای سبیل مرحوم بیگدلی و محمود احمدی نژاد



به این شرح بیان کرد: در یکی از ادوار مشغول بررسی یک رمانی بودیم با عنوان «اندکی سایه» که اثر مرحوم احمد بیگدلی بود. ایشان نویسنده‌ای قدیمی بودند که از دوران پهلوی کار می‌کردند و آن روزها تقریباً نام‌شان رو به فراموشی بود. رمانشان اثر ارزشمند و فاضلی بود که قیام مردم آقاجری علیه حکومت پهلوی و سرکوب این قیام توسط عمال حکومت را روایت می‌کرد. تیم داوران این رمان را به عنوان اثر برگزیده انتخاب کرد، اما ما یک نگرانی داشتیم، چرا که ایشان چهره قدیمی و کلاسیک دوره خود را داشت با سبیل‌های انبوهی که ما اصطلاحاً به آن سبیل توده‌ای می‌گفتیم. قدیم‌ها کلابه کسانی که سبیل‌های پریشانی داشتند، می‌گفتند که اینها سبیل توده‌ای دارند. مرحوم بیگدلی خوشحال شد که برگزیده شده و پذیرفت که به اختتامیه بیاید. آن دوران محمود احمدی نژاد رییس جمهور بود و ما داوران نگران بودیم که او چه واکنشی نسبت به سیمای مرحوم بیگدلی نشان خواهد داد. در نهایت اما مراسم پایانی بسیار خوب برگزار شد.



■ عدم هماهنگی میزانش با محتوای فیلمنامه

محمد تقی فهیم طراحی صحنه و قالب دیالوگ‌های این فیلم را مطلوب ندانست و توضیح داد: میزانش این فیلم خارج از فرم‌هایی مفهومی بوده و صرفاً از رنگ و جلوه‌های عادی استفاده کرده است، همچنین مبتنی دکوپاژی توسط کارگردان رعایت نشده و ریتم‌ها و طول نما روابط محتوایی خاصی ندارند، علاوه بر آن قالب دیالوگ‌ها نسبت به کارکتر در نظر گرفته نشده است، به نحوی که اگر دیالوگ‌های دو شخصیت اصلی فیلم را جابه‌جا کنیم اصلاً با مشکل لحن‌گفت‌وگوها مواجهه نمی‌شویم.

وی در پایان تصریح کرد: آنچه در فیلم سینمایی «کیکی محبوب من» مشهود است، فیلم ساز به دور از کارکردهای فنی و محتوایی به دنبال جلوه سیاسی این فیلم بوده تا جایزه‌های بین المللی را از آن خود کند، به‌گونه‌ای که حتی حرکت دوربین در این فیلم موجب ایجاد اندیشه در ذهن مخاطب نشده و تنها برای جلوه آروتیک صحنه‌های شهوانی به کار برده شده است.

■ هنر سفارتی، حامی نویسندگان منزوی

در ادامه این نشست، محسن رفیعی مدیر اندیشکده هنر و رسانه مرکز مطالعات راهبردی ژرفا به جنبه‌های تاریخی هنر سفارتی پرداخت و خاطر نشان کرد: بعد از جنگ جهانی دوم با شروع جنگ سرد، برنامه مخفی سازمان سیا در آمریکا برای کشورهای بلوک شرق آماده شد، در همین راستا نویسندگانی از بلوک شهر که مورد حمایت کشور خود نبودند به پشتوانه این طرح توانستند تولیدات هنری مورد نظر سفارت‌خانه‌ها را تولید کنند. وی خاطر نشان کرد: در نیمه اول دهه ۱۳۶۰ برگزاری کنسرت‌های سفارشی در سفارت‌های کشورهای اروپایی در تهران آغاز شد، به نحوی که اولین اجراهای بعضی از خوانندگان در سفارت ایتالیا برگزار شد، به‌گونه‌ای که نیمه اول دهه ۷۰ این رویکرد تقویت شد و هنر سفارتی با برنامه‌هایی مثل آموزش زبان و دادن تورهای گردشگری و ویزاهای خاص و جشن‌های شبانه شکل گرفت. این اقدامات را می‌توان مقدمه جریان‌سازی فتنه سال ۸۸ با حضور هنرمندان وابسته به سفارت‌خانه‌های اروپایی در نظر گرفت، قابل توجه است که کارمند ایرانی سفارت فرانسه به سازماندهی ۱۶۰ هنرمند وابسته به این کشور طی حوادث آن سال‌ها خبر داده بود.

شدند، نیز بدون تردید از جمله برترین‌ها بودند. نتیجه این روند طاق‌فروسی داوری‌ها این بود که منتقدان برگزیده، آثارشان بیشتر مورد توجه قرار گرفت و روند فعالیت‌های ادبی‌شان بعد از دریافت جایزه تغییر و تحول پیدا کرد.

نویسنده کتاب «هویت‌شناسی ادبیات و نحله‌های ادبی معاصر» در بخش دیگری از سخنان خود در ضرورت پژوهش روی جایزه ادبی جلال آل احمد و ادوار برگزار شده‌اش، گفت: معمولاً در کشورهای دیگر یکی از برنامه‌های مهم هر جایزه یا جشنواره‌ای، بررسی و نقد روند آن جشنواره است تا فهم کنند که جایزه یا جشنواره چقدر تأثیرگذار بوده، تا چه میزان جریان‌سازی کرده و آیا توجه به آثار نویسندگان یا محققانی که در آن برگزیده شده‌اند، در جامعه بیشتر شده است یا خیر؟ اما متأسفانه این فرهنگ در ایران وجود ندارد و نه تنها جایزه ادبی جلال آل احمد که سایر جوایز ادبی و فرهنگی کشور هم از چنین پژوهش‌هایی بی‌بهره بوده و هیچگاه رصد نشده‌اند.

پارسی نژاد همچنین به حمایت از صاحب‌قلمان برگزیده در جایزه ادبی جلال آل احمد و سایر جوایز فرهنگی کشور اشاره کرد و ادامه داد: روند یک جایزه ادبی نباید فقط محدود به کار نهاد برگزارکننده شود. یعنی جایزه پس از ختم داوری‌ها و اعلام برگزیدگان هم ادامه پیدا کرده و از نویسندگان برگزیده و آثار منتخب حمایت شود. این کار یک فضای تعاملی شکل گرفته و فرصتی برای شکل‌گیری آثار بعدی نویسندگان فراهم می‌شود.

این داور ادوار مختلف جایزه ادبی جلال آل احمد در بخش دیگری از این گفت‌وگو یکی از خاطرات خود از داوری‌های این جایزه را

کامران پارسی نژاد

کامران پارسی نژاد، داور ادوار جایزه ادبی جلال آل احمد گفت: بدون تردید یکی از مهمترین و شاخص‌ترین جایزه‌های ادبی در ایران جایزه جلال آل احمد است و ما جشنواره یا جایزه‌ای را نداریم که تا این حد تأثیرگذار باشد و در بستر ادبی جامعه جریان‌سازی کند و بتواند نویسندگان را برای مردم بشناساند و آثار آنها را سر زبان‌ها قرار دهد.

وی افزود: جایزه ادبی جلال آل احمد هم از جنبه مبلغ جایزه‌اش می‌تواند تأثیرگذار باشد و هم از جنبه روند داوری‌هایش که با دقت و بررسی زیاد همراه است. داوری‌ها در این جایزه بسیار دقیق و حساب شده و به همین دلیل نتیجه کار قابل نظر و دفاع است. من در بخش‌های مختلف این جایزه اعم از رمان نقد ادبی و حتی مستندنگاری داور بوده‌ام که بالتبع هر گونه ادبی با دیگری متفاوت است و نوع داوری‌ها نیز تفاوت دارد، اما بیشترین کار در حوزه نقد ادبی بود. در این بخش یکی از موارد مهم انتخاب داوران برتر بود؛ فراغ از خودم کاملاً شاهد بودم که شخصیت‌هایی که در روند داوری‌ها همکارشان بودم، با چه دقتی انتخاب شده‌اند. من بسیار از آنها می‌آموختم.

پارسی نژاد ادامه داد: در جریان داوری‌های بخش نقد ادبی جدا از اینکه آثار بررسی و نوعی تعامل اندیشه ایجاد می‌شد که نتیجه آن در روند داوری آثار تأثیرگذار بود. شاخصه کاری ما این بود که کاملاً تمامی مواردی را که منتقد باید رعایت کند، در نظر می‌گرفتیم. به عبارتی از جنبه تخصصی آن ساختار و اسکلت‌بندی که باید یک نقد پژوهشی داشته باشد، کاملاً در نظر ما بود و بر اساس آن کار را سطر به سطر بررسی می‌کردیم و آثاری که در نهایت انتخاب

عجیب‌ترین اتفاق بعد از هفت اکتبر

با هفت اکتبر، تاریخ شتاب بی‌سابقه‌ای گرفته. اتفاق از پی اتفاق است که رخ می‌دهد و قطار زمان با سرعت فزاینده‌ای پیش می‌رود. در این مدت سومین نبرد حزب‌الله و اسرائیل آغاز شد. یمن زخمی در حمایت از ملت فلسطین عرصه را بر کشتی‌های اسرائیلی تنگ کرد. اسرائیل در ادامه وحشی‌گری‌هایش به کنسولگری ایران حمله برد. با عملیات وعده صادق، بیش از ۳۰۰ پهباد و موشک به سوی سرزمین‌های اشغالی شلیک شد. هلیکوپتر رئیس‌جمهور ایران به شکل عجیبی در بازگشت از آذربایجان سقوط کرد. در انتخاباتی زودهنگام و به‌رغم فاصله اندک با دوران تاریخ دولت یازدهم و دوازدهم، اصلاح‌طلبان در میان تعجب همگان حتی کاندید پیروز، برنده انتخابات شدند. اسماعیل هنیه، در محل اقامت در تهران ترور شد. اسرائیل در عملیاتی پیچیده با رخنه به پیجرهای حزب‌الله ۴۲ نفر را شهید و ۳۰۰۰ نفر را مصدوم کرد. سیدحسین نصرالله، با شلیک ۸۳ بمب سنگرشکن به شهادت رسید. ایران عملیات وعده صادق ۲ را با ابعادی وسیع‌تر و استفاده گسترده از موشک‌های بالستیک و فراصوت به اجرا درآورد. یحیی سنوار به نحوی پیشبینی نشده و در قایب افسانه‌ای به شهادت رسید. تداوم جنگ اوکراین در دومین سال خود منجر به اشغال ۱۸ درصد از خاک این کشور توسط روسیه شد. از داخل ایران زرمزه‌هایی درباره هسته‌های شدن به گوش رسید. دونالد ترامپ برای دومین بار در انتخابات آمریکا به پیروزی دست یافت. کودتا در کره جنوبی شکست خورد. چین، تایوان را به حمله نظامی تهدید کرد. با حمایت ترکیه و غرب، جبهه‌النصره به قدرت رسید. دولت بشار اسد سقوط کرد. اسرائیل خاک سوریه را به اشغال خود درآورد. رژیم صهیونیستی ۸۰ درصد توان تسلیحاتی سوریه را نابود کرد. این‌ها تنها برخی از وقایع شگفت پیش‌آمده است؛ وقایعی که هر کدام به تنهایی می‌توانست یک دوره زمانی متفاوت را در ذهن‌ها ماندگار کند؛ و به نظر می‌رسد اتفاقات تاریخی دیگری نیز در راه باشد. شتاب



چنان آشکار است که بعضاً دستمایه طنزپردازی هم شده. برخی از دور تند پخش تاریخ می‌گویند و برخی از دشواری به خاطر سپردن اتفاقات این ایام در آزمون‌های تاریخ آتی. برخی نیز نگاه حکمی‌تری دارند و این شیب تند را با وقایع عهد جدید پیوند می‌زنند. بعضی هم آن را با نشانه‌های نقل‌شده در روایات مأثور و علائم ظهور می‌سنجند. اما برای من، با نداشتن نه ذوقی چون کاربران مجازی و نه حکمتی چون عرفای حقیقی، هیچ‌کدام از این رخدادها به اندازه سؤال آزاردهنده‌ای که ذهنم را می‌جود، شگفت‌آور نیست. من نیز چون همگان در خشم و حیرت وقوع بسیاری از این حوادث و حسرت و سوگ تعدادی دیگر غوطه‌ورم؛ من نیز در معنای برخی‌ها می‌اندیشم و به برخی امید بستم. اما پیش و بیش از همه، آنچه گریبان ذهن و قلبم را رها نمی‌کند، چیز دیگری است. نه شهادت اسطوره‌های جبهه مقاومت و نه تحولات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی، هیچ‌کدام مرا به اندازه سکوت جهان در برابر حجم سفاکی اهرمنان صهیونیستی به تحیر وانمی‌دارد. یک سال و اندی از خونخواری این درندگان سپری شده و هنوز جهان با خونسردی نظاره‌گر اخبار جنایت‌هاست! چگونه ممکن است؟ دلخوشی به چند تظاهرات دانشجویی یا مردمی در گوشه و کنار جهان نمایم. همه آن‌ها با هم در قیاس با ابعاد واقعیت هیچ است؛ هیچ! در این مدت، دولت جعلی اسرائیل ۵۰ هزار بی‌گناه را

کشت. هر ساعت ۴ کودک را در غزه سلاخی کرد. بیش از ۱۰۰ خبرنگار را به قتل رساند. هر ۷۰ کیلو گوشت سوخته و له‌شده را بدل به یک نفر کرد. یکی از بی‌سابقه‌ترین نسل‌کشی‌های تاریخ را در برابر چشم همگان رقم زد. همه جهان دیدند و عموماً سکوت کردند. شاعران بسیاری این لحظات را دیدند و واژه‌هایشان به خشم نجوشید. هنرمندان زیادی تماشا کردند و آثارشان شکل عصیان نیافت. اندیشمندان فراوانی نظاره کردند و تغییری در آرایش رخ نداد. مردمان بی‌شماری شاهد بودند و فردای آن روز، با همان دغدغه پیشین به دنبال کسب و کار خود رفتند. به باور من این مهم‌ترین و حیرت‌آورترین اتفاق این دوره است. هیچ حادثه‌ای به اهمیت این مسئله نیست. به‌شخصه دیگر نمی‌توانم مثل پیش از هفت اکتبر به این جهان بنگرم. نسبتم با آن تغییر یافته. جهانی که جنایات رژیم سفاک صهیونیست را دیده و همچنان می‌تواند کنارش به زندگی خود ادامه دهد، جهان عجیبی است. جهان نامنی است. جهانی است نیازمند تغییر و دگرگونی.



پذیرش شکست در حوزه جنگ شناختی

ملتها قبل از آنکه بر روی زمین، شکست را پذیرفته باشند باید در میدان اندیشه و در حوزه جنگ شناختی و ادراکی شکست را پذیرفته باشند

آنچه این روزها در سوریه رخ می‌دهد تکرار همان روایت ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ است. در آن سال‌ها «ائتلاف امریکایی، اروپایی، صهیونیستی، عربی و ترکی» همگی به میدان آمده بودند و با هزینه هزاران میلیارد دلاری و «تولید، سازماندهی، تجهیز و آموزش داعش و مجموعه‌های از گروه‌های تکفیری و سلفی، ساز رفتن بشار اسد را کوک کرده بودند، اما هدف ائتلاف بسیار فراتر از سوریه بود. هدف اصلی ائتلاف، ایجاد خاورمیانه جدید و تجزیه ایران (به عنوان مقدمه ضروری) و سایر کشورهای محور مقاومت به وسیله تحمیل برجام سه‌ضلعی بود، اما همه تلاش، برنامه و نقشه دشمن با ورود سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، نقش بر آب و خواب دشمن به کابوس تبدیل شد. البته طرح خاورمیانه جدید (بر اساس توهم ایجاد دهکده جهانی و قرن امریکایی پس از سقوط شوروی)، به دوران ریاست جمهوری جورج بوش و توسط خانم کاندولیزا رایس در سال ۲۰۰۶ باز می‌گردد.

با جرئت می‌توان گفت تقلیل حوادث اخیر سوریه و تحولات مجدد گروه‌های تکفیری و سلفی به برخی کشورهای منطقه، فراتر از یک اشتباه محاسباتی، ناشی از برنامه‌ریزی یک جریان فکری غربگرای داخلی و مرعوب غرب و زمینه‌سازی برای آماده‌سازی افکار عمومی مردم ایران جهت تن دادن به سازش با هیئت حاکمه جدید امریکا است.

این جریان فکری روی بی‌تفاوتی و عدم مشارکت بخش مهمی از مردم ایران در انتخابات ۱۴۰۳ حساب ویژه‌ای باز کرده است. همان جریانی که پس از انتخابات ریاست جمهوری کشور، از طرح براندازی ایران با عنوان «مانیفست گورباچف ایرانی» روی عکس دکتر پزشکیان در روزنامه آرمان امروز (ارگان حزب اعتدال حسن روحانی) استقبال کرده بود هم‌اینک تلاش می‌کند بخش بی‌تفاوت کشور را (صرف نظر از اینکه، سوءمدیریت همان جریان مهم‌ترین عامل بی‌تفاوتی مردم شده است) به عنوان سرمایه اجتماعی خود به میدان بیاورد تا با استراتژی «فشار از پایین چانه زنی در بالا» نظام را به تن دادن به برجام منطقه‌ای وادار سازد.

شواهد و قرائن نشان می‌دهد که جریان متمایل به غرب در داخل کشور در پی تحمیل برجام منطقه‌ای به نظام است. این جریان صرف نظر از تجربه تلخ برجام خوب می‌داند که افرادی همچون مصدق، حسنی مبارک، معمر قذافی، محمد مرسی، زین العابدین بن علی، منصور هادی، عمر البشیر و صدام همگی بدون استثنا ترس از امریکا و اعتماد احمقانه به امریکا را علت اصلی سقوط خود اعلام کرده‌اند. حتی محمدرضا پهلوی نیز در آخرین روزهای عمرش در کتاب پاسخ به تاریخ می‌گوید:

دلیل فروپاشی سلطنت من اعتماد به امریکا بود. آن زمان که صاحب قدرت بودم، تصور می‌کردم که اتحاد من با غرب بر مبنای اتحاد و اطمینان دو جانبه برقرار است، شاید این اطمینان و اعتماد یک اشتباه بود.

غرب در جنگ رسانه‌ای خود دوگانه دروغین «جنگ‌طلبی در برابر تعامل با غرب» را جایگزین دوگانه واقعی «ایستادگی و مقاومت در برابر سازش» کرده و به این ترتیب کشور و مردم را برای فتنه‌گری، ناآرامی و هرج و مرج داخلی، اغتشاشات و فشار از ناحیه مردم آماده کند، این موضوعی است که در عرصه جهاد تبیین و روشننگری برای مردم به صورت دقیق تبیین شود.

اهمیت سیاست صنعتی در شکل‌گیری نظم نوین جهانی

سیدعلی میری



«سیاست صنعتی و امنیت ملی در حال تبدیل شدن به دو روی یک سکه هستند.

من اکنون روی پروژه‌های کار می‌کنم که به بررسی اقدامات سیاستی در چین، اتحادیه اروپا و ایالات متحده می‌پردازد. در این کشورها، به نقطه‌ای رسیده‌ایم که سیاست صنعتی و امنیت ملی تقریباً جدایی‌ناپذیر شده‌اند»

و در عین حال، توانایی‌های خود را در حوزه‌هایی نظیر هوش مصنوعی، رباتیک و انرژی‌های تجدیدپذیر تقویت کند. این رویکرد، نه تنها به توسعه اقتصادی چین کمک می‌کند، بلکه توانایی این کشور را در مقابله با فشارهای خارجی و احیاناً تحریم افزایش می‌دهد.

در طرف مقابل، در ایالات متحده نیز سیاست صنعتی به ابزاری برای حفظ برتری تکنولوژیک و مقابله با تهدیدات امنیتی تبدیل شده است. قانون کاهش تورم و بودجه‌های حمایتی برای تقویت تولید داخلی، نمونه‌هایی از اقدامات دولت آمریکا در این زمینه هستند. این سیاست‌ها با هدف جلوگیری از وابستگی به واردات، به ویژه از کشورهایی که تهدیدی بالقوه برای امنیت ملی آمریکا محسوب می‌شوند، طراحی شده‌اند.

اتحادیه اروپا نیز با رویکردی مشابه، بر تقویت صنایع داخلی و کاهش وابستگی به زنجیره‌های تأمین خارجی تمرکز کرده است. طرح‌هایی مانند «استراتژی صنعتی جدید اتحادیه اروپا» تلاش دارند تا این منطقه را در حوزه‌های کلیدی نظیر دیجیتال‌سازی و انرژی‌های سبز خودکفا کنند.

ارتباط میان سیاست صنعتی و امنیت ملی موضوعی است که در سال‌های آینده نیز توجه بیشتری به خود جلب خواهد کرد. این پیوند، نه تنها در تعیین مسیر توسعه اقتصادی کشورها، بلکه در شکل‌دهی به نظم نوین جهانی و فردای کره خاکی نقش کلیدی ایفا خواهد کرد.

متن فوق ترجمه توثیق دکتر هاگ اقتصاددان و استاد دانشگاه کمبریج است که اخیراً در صفحه شخصی خود منتشر کرده است. در دنیای امروز، سیاست صنعتی و امنیت ملی به طور فزاینده‌ای به یکدیگر گره خورده‌اند، به گونه‌ای که نمی‌توان آن‌ها را جدا از هم بررسی کرد. این ارتباط، به‌ویژه در میان قدرت‌های بزرگ جهانی مانند چین، اتحادیه اروپا و ایالات متحده، به یکی از محوری‌ترین موضوعات در عرصه سیاست‌گذاری تبدیل شده است. تحولات اخیر در اقتصاد جهانی، رقابت‌های ژئوپلیتیک و چالش‌های فناوری، ضرورت اتخاذ سیاست‌های یکپارچه برای تقویت تولیدات داخلی و حفظ امنیت ملی را بیش از پیش نمایان کرده است.

یکی از دلایل این پیوند عمیق، وابستگی فزاینده به فناوری‌های پیشرفته و زنجیره‌های تأمین جهانی است. به عنوان مثال، صنعت نیمه‌هادی‌ها یکی از بخش‌های کلیدی در اقتصاد جهانی است که نه تنها به عنوان پایه فناوری‌های نوین شناخته می‌شود، بلکه نقشی حیاتی در سیستم‌های دفاعی و امنیتی ایفا می‌کند. هرگونه اختلال در دسترسی به این فناوری‌ها می‌تواند تهدیدی مستقیم برای امنیت ملی هر کشوری باشد.

چین یکی از نمونه‌های برجسته همگرایی سیاست صنعتی و امنیت ملی است. این کشور با اجرای برنامه‌هایی مانند «ساخت چین ۲۰۲۵» موسوم به MIC۲۰۲۵، تلاش می‌کند تا وابستگی خود به واردات فناوری‌های کلیدی را کاهش دهد



انتخاب ۷ منطقه برای احداث مراکز توسعه هوش مصنوعی اروپا

اتحادیه اروپا با تصویب طرح احداث هفت مرکز توسعه هوش مصنوعی در کشورهای مختلف این قاره، گامی راهبردی در جهت توسعه زیرساخت‌های فناورانه برداشته است. این پروژه که با سرمایه‌گذاری ۱۵ میلیارد یورویی از بودجه‌های ملی و اتحادیه اروپا پشتیبانی می‌شود، تا سال ۲۰۲۶ عملیاتی خواهد شد. بخشی از این منابع از طریق برنامه‌های «H2020» و «Eurp e» «Di gital» تأمین می‌شود. هدف آن ایجاد دسترسی گسترده به ظرفیت‌های محاسباتی پیشرفته برای استارت‌آپ‌ها، صنایع و پژوهشگران است.

بر اساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، این مراکز در کشورهای اسپانیا، ایتالیا، فنلاند، لوکزامبورگ، سوئد، آلمان و یونان مستقر خواهند شد. طرح مذکور با مشارکت ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا و دو کشور مشارکت‌کننده در برنامه «بتکار مشترک محاسبات با کارایی بالای اروپا» [۱] اجرا می‌شود.

کمیسیون اروپا اعلام کرده است که کشورهای عضو و ذینفعان دیگر می‌توانند پیشنهادات خود را برای پیوستن به این کنسرسیوم یا ایجاد مراکز جدید هوش مصنوعی تا تاریخ ۱ فوریه ۲۰۲۵ ارائه دهند. هینا ویر کونن، معاون اجرایی اتحادیه اروپا در حوزه فناوری، این اقدام را «گامی کلیدی در مسیر نوآوری» توصیف کرده و بیان داشت: «با بهره‌گیری از ظرفیت‌های استراتژی‌های اروپایی، می‌توان استارت‌آپ‌ها را در مسیر نوآوری و توسعه هدایت و جایگاه اروپا را به‌عنوان قطب هوش مصنوعی تثبیت کرد.» این مراکز توسعه به‌عنوان نقاط تماس یکپارچه، امکان توسعه، آزمایش و اعتبارسنجی مدل‌های بزرگ هوش مصنوعی را برای استارت‌آپ‌ها و پژوهشگران فراهم می‌کنند. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، طرح مذکور بخشی از استراتژی کلان اتحادیه اروپا برای حمایت از شرکت‌های نوپا، کوچک و متوسط است. هدف این استراتژی، فراهم کردن بسترهای زیرساختی برای پیشبرد نوآوری‌های الگوریتمی، تقویت اکوسیستم پژوهشی و تثبیت جایگاه اروپا به‌عنوان یک بازیگر پیشگام در عرصه جهانی هوش مصنوعی است.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهوویی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهوویی | گرافیکست و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۵۰۲۰۱۸ - ۰۹۹۳۱۲۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۵۰۲۰۱۸
نشانی: بلوار کشاورز، خیابان عبدالته زاده، کوچه زیبا، پلاک ۴۴، واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۱۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON

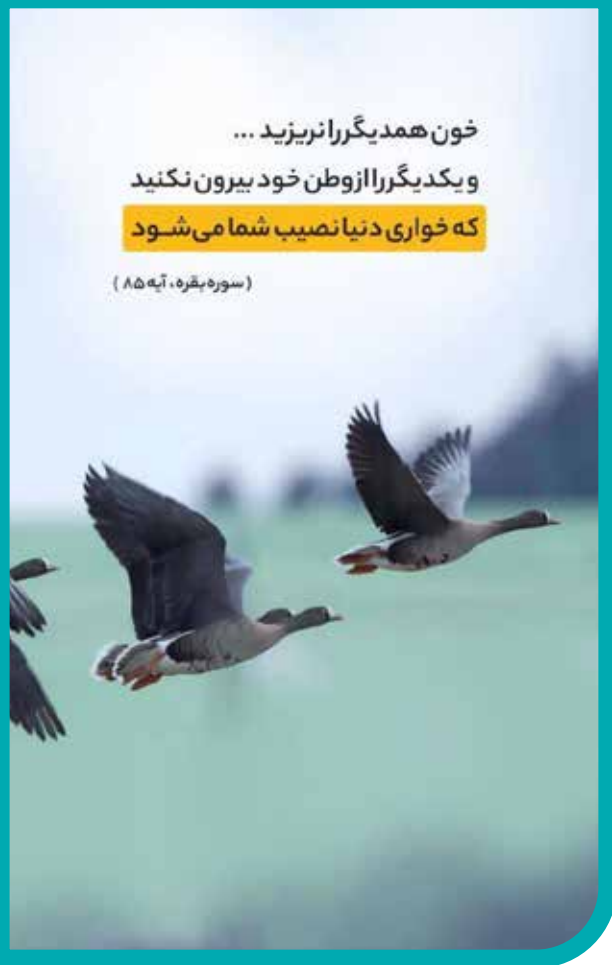


اعتبار جایزه جلال آل احمد به دقت علمی در داوری هاست

روند یک جایزه ادبی نباید فقط محدود به کار نهاد برگزار کننده شود. یعنی جایزه پس از ختم داوری‌ها و اعلام برگزیدگان هم ادامه پیدا کرده و از نویسندگان برگزیده و آثار منتخب حمایت شود. با این کار یک فضای تعاملی شکل گرفته و فرصتی برای شکل‌گیری آثار بعدی نویسندگان فراهم می‌شود.

یکی که محبوب نیست!

مهمین یک زن ۷۰ ساله ظهر از خواب بیدار می‌شود و به صورت تماس ویدیویی با دختر خود تماس برقرار می‌کند، ولی برای خرید به مدت طولانی منتظر گرفتن تاکسی خطی می‌شود و ادعا می‌کند کار با برنامه‌های تاکسی اینترنتی را بلد نیست.



خون همدیگر را نریزید ...

ویکدیگر را از وطن خود بیرون نکنید

که خواری دنیا نصیب شما می‌شود

(سوره بقره، آیه ۸۵)

مسابقات وزنه برداری قهرمانی جهان انقره معینی و ۲ برنز برای عالی پور

در حرکت یک ضرب علیرضا معینی ۲۲ ساله با رکورد ۱۷۶ کیلوگرم به مدال نقره رسید. علی عالی پور ۲۰ ساله با رکورد ۱۷۳ کیلوگرم به مدال یک ضرب نرسید و پنجم شد.

اما در ادامه علی عالی پور، وزنه بردار ایرانی با مهارت ۲۱۴ کیلوگرم در آخرین حرکت دوزب، دو مدال برنز دوزب و مجموع دسته ۹۶ کیلوگرم را از آن خود کرد.

معینی که در یک ضرب با حد نصاب ۱۷۳ کیلوگرم در رده پنجم ایستاده بود، در دوزب فاصله چندانی با کسب عنوان قهرمانی نداشت و با اختلاف یک کیلوگرم نسبت به نورگیا آدیله تولی از قزاقستان و هم رکورد با ربواز داویتادزه گرجستانی با حد نصاب مجموع ۳۸۷ کیلوگرم در مکان سوم جهان ایستاد.

همچنین علیرضا معینی در دوزب وزنه ۲۰۲ کیلوگرم را مهار کرد و با حدنصاب ۳۷۸ کیلوگرم در مکان هفتم جهان قرار گرفت.

تیم ملی کشتی آزاد روسیه به ایران می‌آید

تیم های ملی کشتی آزاد و فرنگی ایران ۲۰ روز پیش در مسکو به مصاف تیم های کشتی آزاد و فرنگی روسیه رفتند و موفق به کسب پیروزی شدند.

پس از آن نیز چهره های مطرح و عنوان دار روس با امضای قرارداد با تیم های مختلف در مرحله نهایی لیگ کشتی آزاد ایران حاضر شدند.

اما در ادامه همکاری میان کشتی آزاد ایران و روسیه به عنوان قطب های کشتی جهان و پس از مذاکراتی که روسای فدراسیون های کشتی ایران و روسیه داشتند، قرارداد است تیم ملی کشتی آزاد روسیه برای برگزاری اردوی مشترک عازم ایران شود تا دو تیم ایران و روسیه در کمپ تیم های ملی کشتی در اردوی مشترک حاضر شوند.



قرار بود این سفر در ماه آینده انجام شود اما روس ها به دلیل در پیش بودن جام یاریگین خواستار تعویق آن شدند و اعلام کردند پس از این مسابقات در اولین فرصت، حاجی مراد گاتسولوف و شاگردانش عازم ایران خواهند شد.

میزبانان ایران در لیگ ملت های والیبال مشخص شدند



فدراسیون جهانی والیبال میزبانان مرحله بین قاره ای لیگ ملت های ۲۰۲۵ را مشخص کرد که بر این اساس تیم ملی ایران، طبق برنامه در آمریکای جنوبی و اروپا به میدان خواهد رفت.

تیم ملی ایران در هفته نخست لیگ ملت های والیبال به همراه اسلوانی، کوبا، آمریکا، اوکراین و برزیل در شهر ریودوژانیرو کشور برزیل به میدان خواهد رفت.

شاگردان روبرتو پیاتزا در هفته دوم در شهر بلگراد کشور صربستان همراه آرژانتین، کوبا، صربستان، هلند و آلمان خواهند بود. تیم ملی والیبال ایران، هفته سوم را نیز همراه لهستان، فرانسه، بلغارستان، کوبا و چین در شهر گدانسک کشور لهستان سپری خواهد کرد.

فوتبال را چکار به ناگویا و المپیک



برگزاری جلسه تخصصی با فوتبالی که اصلاً درکی از بازی های آسیایی و المپیک ندارد شاید بزرگ ترین اشتباه احمد دنیامالی از زمان تصدی پست وزارت ورزش بود، چرا که ناخواسته پاس گلی به فوتبال بیت‌المال خور و مغرور و همیشه بازنده داد که آنها خوب بلدند از آن استفاده کنند، درست برخلاف دیگر فدراسیون ها که با وجود افتخار آفرینی در سطح قاره، جهان و المپیک نمی‌توانند آنطور که باید و شاید حق خود را بگیرند، اما فوتبالی جماعت خیلی خوب بلد است از آب گل آلود ماهی بگیرد. جلسه تخصصی وزیر ورزش با فدراسیون فوتبال جایی بود که فوتبالی ها آنچه را دوست داشتند از حرف های وزیر گرفتند. دنیامالی در این جلسه از دغدغه اش در خصوص فوتبال بانوان و حضور در این مسابقات، به خصوص در مورد بانوان: «در خصوص ارتقای رنکینگ بانوان و حضور در بازی های آسیایی ناگویا باید تمهیداتی توسط فدراسیون اندیشیده شود. برای تیم فوتبال بانوان می‌توانیم از ظرفیت مربی خارجی استفاده کنیم، هر چند سیاست ما همچنان بهره بردن از ظرفیت مربیان داخلی است.»

وزیر ورزش حرفی انداخت، اما ناگویا حواسش نبود طرف مقابلش فدراسیون فوتبال است، یعنی فدراسیونی با آدم های متفاوت تر از تمام فدراسیون های افتخار آفرین. او یادش رفت طرف مقابلش خیلی خوب بلد است همه چیز را به نفع خودش تمام کند. وزیر حرفی انداخت و فوتبالی ها آن را برداشتند و حالا این مستمسک را دارند که بنا بر دستور وزیر باید برای تیم ملی بانوان مربی خارجی بیآورند، یعنی باز هم سر کیسه بیت‌المال شل شود و میلیارد ها میلیارد به باد برود، درست مثل ماجرای ویلموتس! یادتان که هست؛ همان قراردادی که مهدی تاج از آن به عنوان «قرارداد خوب» یاد می‌کرد، اما جنتمن بلژیکی دمار از روزگارمان در آورد. حالا هم رئیس فدراسیون فوتبال همان تکه اول کلام وزیر را گرفته و دیگر کاری ندارد که دنیامالی در ادامه گفته «سیاست ما همچنان بهره بردن از ظرفیت مربیان داخلی است.»

تاج از حالا دنبال مربی خارجی برای فوتبال زنان است، حتماً فکر دریافت هزینه ای آنچنانی را هم کرده، پس منتظر یک «ویلموتس گیت» دیگر می‌مانیم، البته این بار در فوتبال بانوان. راستی تا یادمون نرفته بد نیست این مهم را هم یادآور شویم که تا قبل از جلسه با وزیر، فوتبال بانوان نزد مهدی تاج و دارودسته اش هیچ محلی از اعراب نداشت، اما ناگهان مهم شد، چرا؟ چون قرار است از قبل آن پول کلانی به فدراسیون فوتبال برسد و آنها چاهش را هم کنند.

فریدون حسن

به نظر می‌رسد وزارت ورزش قبل از برگزاری جلسه تخصصی با فدراسیون فوتبال در خصوص بازی های آسیایی و المپیک باید در یک جلسه فوق تخصصی فکر بیمار فوتبال را جراحی می‌کرد و بعد با آنها از بازی های آسیایی و المپیک حرف می‌زد.

وقتی نوبت جلسات تخصصی وزارت ورزش با فدراسیون ها برای مشخص شدن برنامه هایشان برای بازی های آسیایی ناگویا و المپیک به فدراسیون فوتبال رسید، پیش خودمان گفتیم فوتبال و این حرف ها! فوتبال را چکار به بازی های آسیایی و المپیک؟! زیاد معطل نماندیم و نتایج جلسه که بیرون آمد، مشخص شد اشتباه فکر نکرده بودیم. فوتبالی ها حتی مقابل وزیر و در نشست تخصصی بازی های آسیایی و المپیک فکر و ذکرشان جام جهانی بود. واقعیت این است که اولویت اول و آخر فدراسیون جام جهانی است و اگر در این راه همه هم قربانی شوند از نظر آنها هیچ ایرادی ندارد. از فوتبال بانوان گرفته تا فوتسال بانوان و آقایان و از تیم های رده های پایه گرفته تا تیم امید اصلاً مهم نیستند، مهم فقط تیم ملی و جام جهانی است. این را می‌توان در مجله مجازی فدراسیون فوتبال دید. مجله ای که در شماره بعد از نشست تخصصی بازی های آسیایی و المپیک با وزیر ورزش با افتخار برای جام جهانی روز شمار گذاشته و تیر زده «۵۴۹» روز تا روز موعود.»

وزیر ورزش اشتباه کرد؛ بعد از جلسه تخصصی بازی های آسیایی و المپیک، فدراسیون فوتبال ستاد ویژه جام جهانی تشکیل داد تا به دنیامالی و مسئولان کمیته ملی المپیک ثابت کند برایش نه بازی های آسیایی ناگویا مهم است و نه المپیک. نه تیم امید مهم است و نه تیم های جوانان و نوجوانان و بانوان. البته موفقیت های اینها را تاج به نام فدراسیون فوتبال می‌زند و چند ستاره هم به خود و فدراسیونش می‌دهد، اما آنچه فعلاً مهم است جام جهانی است. فدراسیونی ها از همین حالا چمدان های مسافرتشان به آمریکا یا کانادا یا مکزیک را بسته اند، آن وقت وزیر ورزش با آنها از بازی های آسیایی و المپیک حرف می‌زند.